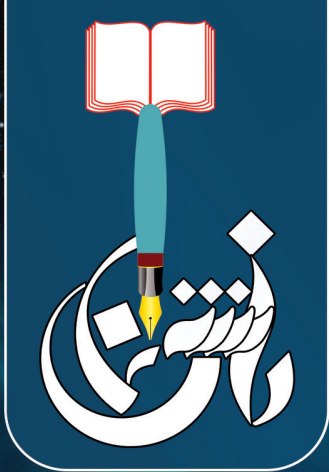




فصلنامه

دانش نما

نشریه انجمن علمی - دانشجویی علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه تبریز
سال اول، شماره اول، دوره پنجم، زمستان ۹۵



Culture

شبکه های اجتماعی علمی

Research GATE
Scientific network

کتابداری مبتنی بر شواهد
Critical thinking

سرقت علمی

Plagiarism

مساله یابی یا مساله سازی
H-index

H-index

دوره پنجم، شماره اول، سال اول



if words fall on a page
and nobody's around to read
them
is it still information?....

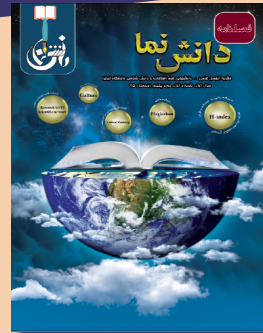




فهرست مطالب

۴	 سخن سردبیر
۶	 stop plagiarism
۹	 شما قضاوت کنید علم در بطن فرهنگ یا بدون فرهنگ!
۱۲	 شبکه های اجتماعی از نگاهی دیگر
۱۵	 مسئله یابی یا مسئله سازی مسئله این است؟! مصاحبه با دکتر هاشم عطاپور با موضوع؛ همکاری علمی راهکارها و چالشها
۱۷	 بیماری تحقیقات
۲۰	 طنز و سرگرمی
۲۳	 اندراحوالات دانشجو
۲۴	 نقادانه
۲۵	 اصلاح الگوی مصرف با چاشنی علم
۲۶	

نشانی: بلوار ۲۹ بهمن، دانشگاه تبریز، دانشکده
علوم تربیتی و روانشناسی،
گروه علم اطلاعات و دانش شناسی.
وب سایت: www.daneshnoma.ir
ایمیل: danshnoma@gmail.com



فصلنامه دانش نما

سال اول | شماره اول | دوره پنجم

صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشجویی

گروه علم اطلاعات و دانش شناسی دانشکده علوم تربیتی

مدیر مسئول : محسن ملک زاده

سردبیر: سحر اکبری

دبیران کمیته:

هاجر محمدی، فرشته آسیابی، عاطفه فرزین (دبیران کمیته علمی)

زهره رضوی (دبیر کمیته طنز و سرگرمی)

هانیه نیلگون مقدم (دبیر کمیته مصاحبه)

اعضای کمیته : غزاله رادفر، زهرا کریمی، نساء سعیدپور،

سروین زهتاب، ندا محمدی، رقیه روح الهی، فاطمه شاهویردی

صفحه آرایی و ویراستار : سروین زهتاب

طراحی جلد و لوگو: هادی فرشاد

مدیر اجرایی: بهزاد پیرزاده

باتشکراز:

آقای دکتر هاشم عطاپور (عضو هیأت علمی دانشگاه تبریز)

خانم دکتر سولماز زرداری (عضو هیأت علمی دانشگاه تبریز)

خانم مریم مقدمی (مدرس گروه علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه تبریز)



سخن سردییر

به چه می‌نازیم؟!

با سیری کوتاه در اخبار علم و فناوری در ایران و جهان، خواهیم دید که شتاب علمی ایران چشم‌جهانیان را خیره ساخته است. کشور عزیزمان ایران در برخی زمینه‌ها جزء کشورهای پیشرو جهان محسوب می‌شود. جایگاه دوم رشد علمی دنیا و پنج برابر کشورهای پیشرفته دانشگاه داریم و ... چه و چه داریم. ولی با گفتن این مطالب شاید تنها با استقبال از شعار خود را غافل کرده‌ایم. باوجود تمام این پیشرفت‌ها گریز از واقعیت چیزی را پیش نمی‌برد و نگرانی اصلی متوجه نسل آینده است؛ آن‌ها هستند که زیر این آجرها خراب خواهند شد. شاید در دهه‌های گذشته تنها ملاک رشد، رسیدن به جایگاه علمی بود اما این روزها همه بر آن واقفیم که این رشد باید در مدار زندگی هم به جریان بیفتد؛ که این کاری است بس دشوار! اولین بذره‌ای تولید علم در اواسط دهه هشتاد بود که برداشت شد و ایران در ردیف کشورهایی قرار گرفت که تولید علم بالایی داشت؛ اما علیرغم اهمیت این موضوع رفته‌رفته هم‌کاسه شدن کمیت و کیفیت مطرح شد و حتی امروزه بیان می‌شود که توجه بیش‌ازاندازه به شاخص تولید کمی مانع از توسعه علمی کشور خواهد شد. با این اوصاف معلوم می‌شود که باید بین رتبه کمیت تولید علم و رتبه علم برتر تمایز قائل شد؛ اما چگونه ...؟ چگونه می‌توان در کنار تولید کمی از کیفیت هم غافل نشد و در پیشبرد علم هم تأثیرگذار بود؟ چگونه می‌توان این رشد را در مسیر رسیدن به سایر ابعاد توسعه علمی قرارداد؟

اگر تنها رسیدن به جایگاه علمی هدف نیست پس باید بتوان با نیازهای بومی همگام شد اما اگر غیرازاین است چه باید کرد؟ دانشگاه و دانشگاهیان دراین‌بین چه نقشی دارند؟ بحثی که اخیراً نقل محافل علمی شده و با تعابیر مختلفی ازجمله رشد کاذب، قارچ وار، کاغذی، پفکی، کاریکاتوری و ... از آن یاد می‌شود اهمیت پرداختن به این موضوع را بیش

ازپیش مشخص می‌کند؛ به گونه‌های که چگونگی برخورد با آن مثل خوره در جان‌ها افتاده! رشدی که در نگاه اول مسرتبخش است ولی تأکید یک‌جانبه و صرف بر آن تبعاتی هم در پی داشته که می‌تواند خطرناک باشد. مشاهدات و ملاحظات بر آنچه می‌بینیم و می‌کنیم نشان می‌دهد ما ازجمله کشورهایی هستیم که نتوانسته‌ایم با پدیده رشد کاذب علم مقابله کنیم و در مهار این پدیده همان‌قدر عاجز بوده‌ایم که در مهار پدیده‌هایی مثل سرقت علمی و مسئله‌سازی و مسئله‌یابی!

اصرار بر این رشد چه‌ها که بر سرمان نیاورده!

این قلم‌های کج‌ومعوج کی از قدم خواهند ایستاد؟ با همه احترامی که برای پژوهشگران کشورمان قائل هستیم و درواقع نتیجه تلاش‌های آن‌هاست که هم‌اینک در این مرحله از رشد قرار داریم؛ اما واقعیت را هرچند تلخ باید عنوان کرد. یکی از مسائلی که در سال‌های اخیر محیط دانشگاهی را درگیر خودکرده مسئله‌سازی در تولید پایان‌نامه‌ها و مقالات است. حتی دیگر، پژوهشگران و اساتید بافراستمان از مقاله سازان و مقاله بازان قابل‌تشخیص نیستند. شاید این مدعیان علم همان‌ها باشند که تنها به فکر این هستند که سالیانه یک درصد به تولید مقالات کم‌عمق و بی‌محتوا کمک کنند و به‌قول‌معروف سری تو سرها درآورند. غافل از اینکه این‌گونه مسئله‌سازی‌ها و حتی مسئله‌یابی‌ها تنها مسیری در تولید علم است و خود، تولید علم نیست. از سوی دیگر این رشد قارچ وار دالانی برای ورود به سرقت علمی را نیز فراهم کرده که بی‌توجهی به آن باعث هر چه تنگ‌تر شدن این دالان خواهد شد و آن موقع است که دیگر شاید نتوان جامعه علمی را از این دالان بیرون کشید. باید مراقب این‌چنین مسائل باشیم؛ زیرا گرچه ممکن است ناچیز به نظر بیایند اما همه‌چیزند. خوشبختانه اخیراً قوانینی برای متخلفین سرقت علمی در کشور تصویب شده که جای بسی خوشحالی دارد؛ شاید وضع چنین قوانینی در پیشبرد اهداف

علمی به سمت کیفی سازی گامی بردارد و جرقه‌ای برای هشیاری جمعی باشد. در گیرودار تمام این مشکلات نگرانی نسبت به آینده‌ای که هنوز نیامده هم باعث شده همه به فکر رسیدن به جایگاه علمی باشند و تقریباً هیچ فردی نیست که آن را مهم تلقی نکند؛ شاید کمی سیاه به قضیه نگاه کرده باشیم ولی این تنها یکروی سکه است و قدرت علمی اعضای هیئت علمی کشور را هم نمی‌توان منکر شد؛ اما آیا این جایگاه و این رشد همیشه ارزشمند است. حتی اگر به بهبود اقتصاد، زندگی مردم، بیکاری و ... چاره‌ای نداشته باشد؟ احتمالاً پاسخ یک ایرانی برای چنین پرسشی، یک نه قاطعانه است! پس هدف والا در این بین چیست؟ صاحب نظران علم و فناوری تولید علم را سکویی برای رسیدن به توسعه علمی می‌دانند و برای توسعه علمی ابعاد مختلفی قائل‌اند که رشد کمی تنها یکی از این ابعاد است؛ بنابراین در این طوفان اطلاعات اگر ما هم به دنبال ثروت و قدرتی چشم‌پوشی از دانش‌های بنیادی، نوآوری و فناوری‌های صنعتی، دیپلماسی علمی و استناد گرفتن غیرقابل انکار است چراکه هر کدام از این مقوله‌ها در جایگاه خود مهم‌اند و بی‌توجهی به هر کدام در تناقض با سند سیاست‌های کلان علم و فناوری ابلاغی توسط مقام معظم رهبری خواهد بود. اغلب از رسانه‌ها در مورد اولویت تولید علم می‌شنویم که باید با نیازهای بومی کشور همگام باشد و بتوان علم تولیدی را در بطن جامعه خود هم به کار بست. و این جمله مشهور که کیفیت را نباید فدای کمیت کرد؛ اما شاید بپرسید این کیفیت را چگونه باید مشخص کرد؟ در پاسخ باید گفت: انتشار نتایج پژوهش‌ها در مجلات بین‌المللی و استناد گرفتن (مورد استفاده قرار گرفتن) مساوی با کیفیت علم تولیدی است. البته نباید از نظر دور داشت که استناد گرفتن و چاپ مقالات در حوزه علوم انسانی برای ایران و سایر کشورهای اسلامی تا حدودی مشکل است؛ چراکه علم بومی انسانی ما اغلب مورد قبول آن‌ها نیست؛ بنابراین اصرار بر رشد کمی در این مورد مساوی با منطبق شدن با قالب‌های آن‌ها است؛ که این عمل در شأن ما نیست؛ اما تعامل و همکاری هم در هر کاری مهم است و چاره‌ساز؛ از جمله علم. حالا اگر در سطح بین‌الملل باشد که نورعلی نور؛ اما در این بین نباید از تعاملات داخلی بین دانشگاه‌ها هم بی‌بهره ماند. برای لنگی چرخ صنعت هم باید فکری کرد و علم تولیدی را بتوان در اقتصاد دخیل کرد و از علم تولیدی بهره برد؛ و

مورد دیگری که جلب توجه می‌کند آمارهای منتشر شده از پایگاه آی. اس. سی در مورد نوآوری است که در کشورمان توجه و افری به آن نشده است؛ ما که اهل مقایسه هستیم پس چرا در این مورد به خود نمی‌آییم و از خود نمی‌پرسیم چرا کشوری مانند آمریکا با چهل و شش دانشگاه بیشترین تعداد دانشگاه‌های نوآور در جهان را دارد و ژاپن با نه دانشگاه رتبه دوم و فرانسه و کره جنوبی با هشت دانشگاه رتبه سوم را در فهرست جهانی دارند. در حالی کشوری مثل ایران با آن همه دبدبه و کبکبه نه در فهرست جهانی و نه آسیایی، نماینده‌ای نداشته! این آمارها و بررسی‌ها تلنگر و زنگ خطری هستند تا ما را متوجه کنند که هنوز تا رسیدن به مرجعیت علمی راه درازی در پیش است...

تظاهر تا به کی؟!

ادعای علم می‌کنیم و توهم همه چیزدانی داریم؛ درحالی که اغلب علمم ان مشکی از جامعه را حل نمی‌کند! جایگاه دوم رشد علمی دنیا را داریم، باینحال نوآوری و فناوری در دانشگاه‌هایمان معنایی ندارد! کسب مدرک برایمان ارزش شده در صورتی که توجه نمی‌کنیم اعتدال در همه چیز لازم است و ازدیاد فارغ التحصیلان عالیه هم مشکل زاست و هر پیشرفتی لزوماً پیشرفت نیست؛ ولی کو گوش شنوا! به زعم خودمان می‌خواهیم تأثیرگذار باشیم و در مجلات خارجی قدی علم کنیم که خبر جعل علمی دانشمندان می‌رسد؛ اما باز عبرت نمی‌گیریم و در بر همان پاشنه می‌چرخد. نواقص، قوانین علمی، نظام آموزشی و خلیقات مان زنجیر بسته‌ای هستند که تولیدات علمی را احاطه کرده‌اند. برای نجات از این زنجیر بسته لااقل یک جای آن باید پاره شود. باینکه قوانین و نظام آموزشی حلقه‌های مهم این زنجیرند اما نباید از توجه به خلیقات مان هم غافل شویم. درست است که فرهنگ و تمدن ایرانیان بر کسی پوشیده نیست. باین حال شاید اگر در این مورد کمی در خود و فرهنگمان درنگ کنیم ببینیم که چقدر قشری ظاهر ساز و اهل نمایش دادن هستیم! و شاید اگر کمی عمیق‌تر و آینده‌نگرتر فکر کنیم برای خلاصی از مفاسد و معایب علمی و برطرف کردن عقب افتادگی‌هایمان قبول کنیم که مسیر باید تغییر کند. مسیر رشد علم در کشورمان همان مسیر نباید باشد که سال‌ها پیش هدف بود؛ گرچه کاری است در ظاهر ساده ولی در عمل نیاز به برنامه‌ریزی دقیق، عزم ملی، خرد جمعی و تعدیل خلیقات مان دارد.



دبیر کمیته:

هاجر محمدی (ترم هفت مقطع کارشناسی رشته علم اطلاعات و دانش شناسی)

hajarmohammadi.94@gmail.com

اعضا:

غزاله رادفر (ترم سه مقطع کارشناسی رشته علم اطلاعات و دانش شناسی)

Radfrghazal1@gmail.com



آفت علمی:

می‌روند که ما در زبان علمی به این

عمل سرقت علمی می‌گوییم.

سوءاستفاده علمی:

در دنیای امروزی ظهور فضای الکترونیکی و شتاب روزافزون اطلاعات در جامعه علمی و احساس نیاز به کسب توانمندی‌های علمی، محققان را به پیشرفت در عرصه رقابت ملی و بین‌المللی واداشته که این تفکر به‌تنهایی خودش محرکی برای شکوفا شدن تحقیقاتی بنیادی در جامعه علمی شده است. بدیهی است تحقیق ازجمله ابزاری اساسی برای رفع معضلات عمده در راه رسیدن به جامعه علمی ایده‌آل است، به‌طوری‌که کمک می‌کند فرد در سطح جهانی هم حرفی برای گفتن داشته باشد. (حیدری، ۱۳۷۹)

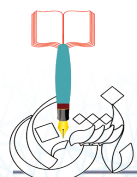
پژوهش و تحقیق محصول چندین مؤلفه مختلف است و در رأس آن آموزش دانش‌پژوهانی مطلع، مبتکر و علاقه‌مند به پژوهش قرار دارد. محصولات علمی و دستاوردهای مبتکرانه نتیجه زمان و هزینه‌های زیادی است که محقق و جامعه متحمل آن شده است. چندین دهه است که جامعه علمی به خاطر افزایش دستاوردهای علمی و بالا رفتن تولیدکنندگان علم، دچار سوء رفتارهایی شده که دور از انتظار است. اعمالی که از نظر اخلاقی نادرست است و از یک نویسنده و محقق انتظار نمی‌رود چنین

شاید از آشنایان، دوستان، نزدیکان و اقوامتان درباره آن‌ها شنیده‌اید و یا از نزدیک با آن‌ها برخورد داشته‌اید، سارقان را می‌گوییم؛ قبول دارم با شنیدن نام سارق کمی احساس ترس به شما دست بدهد. عموماً تصور ما از یک سارق یا به قول خودمان دزد، فردی است که لباس یکدست سیاه می‌پوشد و یک نقاب که مانع از شناسایی‌اش می‌شود بر چهره می‌زند و بدون توجه به خیلی از ارزش‌ها از دیوار خانه مردم بالا می‌رود یا اسلحه به دست پول‌های مردم را از بانک به سرقت می‌برد. اتفاقاً چند روز پیش با سارقی برخورد داشتم (اشتباه نکنید من پلیس نیستم) که لباسی رنگ روشن به تن داشت. خیلی هم متشخص و آراسته بود، اسلحه هم نداشت، به‌هیچ‌وجه هم ترسناک نبود و در ضمن از دیوار کسی هم بالا نرفته بود و از بانک هم سرقت نکرده بود. فقط با اجازه، کمی از علم فرد دیگری را به سرقت برده بود همین و بس. بنابراین مشخص می‌شود گاهی اوقات تصور ما از سارقان اشتباه است. امروزه سارقانی ظهور کرده‌اند که با تیپ و قیافه‌ای بسیار متفاوت‌تر از آنچه ما از یک سارق در ذهن خود داریم و با نوع متفاوتی از سرقت‌های معمول که ممکن است سهوی یا عمدی باشد؛ فرقی نمی‌کند، از دیوار علمی دیگران بالا

اعمال ناشایستی انجام دهند. طبیعتاً در کشورهایی که تولیدات علمی آن‌ها بیشتر است خواسته یا ناخواسته- امکان وقوع این تخلفات نیز بیشتر است و ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست. (شریفی راد و دیگران، ۱۳۹۱). سرقت علمی (plagiarism) نوع شایع سوء رفتار علمی است که در محیط‌های علمی شاهد رخ دادن آن هستیم و به‌عنوان ترکیب و معجونی غیرمجاز و سمی از آثار سایرین می‌باشد و بدتر از آن استفاده تمام و کمال از آثار دیگران و انتشار آن به اسم خود بدون آوردن هیچ نشانی از نویسنده اصلی است (همان).

سرقت علمی مذموم است؛ چه سهوی چه عمدی نباید

سارقان علمی دودسته‌اند: دسته‌ای از این افراد حتی از عمل خود اطلاع ندارند و کلمه سرقت علمی در قاموس این نوع سارقان معنایی ندارد؛ اما دسته دوم هراس‌آوردند حتی می‌توان برای این دسته افراد این عمل را نوعی اعتیاد هم دانست. همچون هر اعتیادی، سرقت علمی هم در طول زمان عوارض جبران‌ناپذیری دارد، چه بسا تلاش دیگران لطمه می‌خورد. ناخواسته‌ترین عوارض آن قرار گرفتن در لیست سیاه، چاپ نشدن اثر در نشریات داخلی و خارجی و بدتر



سال اول شماره اول
اداره پنجم
(۶)

از همه حذف شدن از جامعه علمی است. سرقت علمی امروزه بیشتر در بین سه گروه ناشران، دانشجویان و مدرسان دانشگاهی رخ می‌دهد و اغلب دانشجویان به خاطر عدم آگاهی وارد این لیست می‌شوند. چراکه در قرن حاضر دغدغه بسیاری از دانشجویان و سایر افراد جامعه علمی، قرار گرفتن در جایگاه علمی بالاست و دوست دارند به نوعی در پیشرفت جامعه علمی‌شان نقشی داشته باشند. البته پیشرفت جامعه علمی شاید هدف صرف نباشد بلکه تا حدودی منافع شخصی نیز می‌تواند در میان باشند و یا شاید دوستار پژوهش باشد. ولی در اکثر موارد کسب درجه علمی هدف است، به هر قیمتی که باشد. درست است به دنبال برتری بودن چیز خوبی است، اما همین برتری جویی‌ها گاهی باعث فراموش شدن اهداف اصلی می‌شود و نتیجه شوم آن قرار گرفتن در پرتگاه سرقت علمی می‌باشد.

خلاصه کلام، اینکه ارتکاب سرقت، دلایل زیادی وجود دارد که بیشتر به خاطر عدم آگاهی و نبود بسترهای لازم برای کاربردی کردن ایده‌های نو است؛ اما سارقان دسته دوم، چون با این عمل به‌طور متخصصان‌وار آشنایی دارند از انجام هرگونه کاری که موجب آشکارسازی سرقتشان می‌شود جلوگیری می‌کنند؛ و بدبختی اینجاست که اکثر این مجرمان به‌ظاهر باکلاس به هرجان کدندی باشد به اهداف علمی خود می‌رسند و پیامد کارشان دیر ظاهر می‌شود (اکبری و عبدالهی فر، ۱۳۹۲).

بهترین راه و درمان پیشگیری از ارتکاب به سرقت علمی چه می‌تواند باشد؟
بهترین راه، استفاده از واکسن آگاهی است.

آموزش و آگاهی دادن به دانشجویان که عضوی از جامعه علمی هستند موجب آشنایی آن‌ها با این آفت علمی و عدم آلودگی به آن می‌شود (بطحائی، ۱۳۹۰). وظیفه تزییق مؤلفه آگاهی بر عهده نهادهای آموزشی است. مدرسان دانشگاهی و کتابداران (اطلاع‌رسانان) به‌عنوان «میانجیان آموزشی» در خط مقدم مبارزه با این پدیده فراگیر قرار دارند (دیانی، ۱۳۸۳).

آموزش‌دهندگان یا کتابداران خود مرتکب سرقت علمی می‌شوند؟ پس چطور می‌توان از آموزش‌دهندگانی که خود نیز مرتکب چنین خطایی می‌شوند انتظار آموزش الفبای اخلاق پژوهشی را داشت؛ و انتظار تجویز نسخه آگاهی را داشت؟ تعجب نکنید شاید یکی از مسیرهای رسیدن به جامعه‌ای سابقه‌دار همین سیستم آموزشی باشد (اسلامی، ۱۳۹۰).

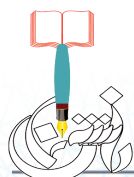
ناگفته نماند که شاید مدرسان بستر و ابزارهای موردنیاز برای آموزش را در دسترس نداشته باشند، درحالی‌که در کشورهای خارجی بیشتر دانشگاه‌ها نرم‌افزارهای مشابه یاب در وب‌سایت‌هایشان ارائه می‌دهند و برای هرکدام از دانشجویان‌شان یک اکانت جهت استفاده از نرم‌افزار در دسترس قرار می‌دهند. این فعالیت خلاقانه موجب آگاهی دانشجویان از این مهم می‌شود. به‌طوری‌که حتی می‌تواند باعث ریشه‌کن شدن این عمل ناشایست در جامعه علمی شود و اینجاست که می‌گویند: پیشگیری بهتر از درمان است...

یکی از مبتکرانه‌ترین جنبه‌های آموزشی که می‌تواند تأثیرات به‌مراتب بهتری داشته باشد؛ ارتقاء توان نوشتن با داشتن دید انتقادی به مسائل می‌باشد. در این جنبه از آموزش، قوای ذهنی و به‌کارگیری آن تقویت می‌شود بطوریکه قوه احساس مسئولیت پژوهشگر نسبت به اجتماع و خود پرورش داده می‌شود. تا حدی که فرد موقع استفاده و بهره‌مندی از یک کلمه، چرایی و چگونگی استفاده از آن برایش قابل‌درک می‌شود؛ و این خود می‌تواند تأثیر بسزایی در تحریک

وجدان پژوهشگر داشته باشد تا ثمرات سایرین به تاراج نرود (هاشمی، ۱۳۸۸).

برای جلوگیری از رخ دادن هرگونه کژی و کاستی در عرصه انتشارات علمی علاوه بر آموزش‌دهندگان، دولت نقش به‌سزایی در این‌بین دارد. دولت می‌تواند با وضع قوانین و استفاده از متخصصانی مجرب در عرصه آموزش، این فرهنگ را در بطن جامعه نهادینه کند. شاید قانون مهم‌ترین نقش را در درمان این درد اجتماعی داشته باشد (بطحائی، ۱۳۹۰).

اصولاً در جامعه‌ای مثل جامعه ما، باسواد به کسی گفته می‌شود که درجه دانشگاهی بالایی داشته باشد، یعنی به‌گونه‌ای سیستم کاغذی بر جامعه حاکم است. پس چنین قوانینی در چنین جوامعی لازم است اعلام وجود کنند. قوانین حاکم بر این جرم در جامعه علمی باید به‌گونه‌ای باشد که بر اجتناب از عمل به سرقت علمی تأثیر مثبت داشته باشد. راه دیگر جلوگیری از ارتکاب سرقت علمی، استفاده از راه‌کارهایی برای شناسایی دقیق تقلب است. مثلاً در داده سازی که خود نوعی سرقت علمی محسوب می‌شود، از روش‌های آماری شناسایی تقلب در داده‌ها و گزارش‌های تحلیلی، همچنین بازدید از سایت‌ها و داده‌های اصلی مطالعات انجام‌شده، برای شناسایی سرقت علمی استفاده گسترده می‌شود. چون سرقت می‌تواند اعتبار علمی شخص نویسنده و حتی کشور را خدشه‌دار کند، با شناسایی یک تقلب، انگیزه فرد در جلوگیری از ارتکاب افزایش می‌یابد. در این زمینه نرم‌افزارهای مشابه یاب (سرقت علمی) در کشور طراحی شده‌اند، ازجمله این نرم‌افزارها سمیم نور می‌باشد که باهدف «حفاظت از مالکیت فکری و حقوق مؤلفین» ارائه شد. البته همه نرم‌افزارها به‌طور کامل دقیق نیستند، نتایج به‌دست‌آمده از این نرم‌افزارها تا زمانی قابل اعتماد می‌باشند که از یک نرم‌افزار دقیق و کامل استفاده‌شده باشد که به‌دوراز هرگونه اشکالی باشد (اکبری و دیگران،



سرقت به قیمت رسوا شدن

برخی پژوهش‌ها و پیمایش‌ها در سطح جهانی حکایتگر آن است که سرقت علمی در کشورمان در حال رواج است، به‌طوری‌که در نشریه نیچر گزارشی در سال ۲۰۰۷ درباره سرقت علمی انتشار شد که بسیاری از مقالات رونویسی شده در ایران که توسط پایگاه‌های اطلاعاتی شناسایی شده‌اند، به وبلاگ‌ها و گروه‌های فارسی‌زبان ایرانی تعلق دارند که بار علمی موثقی ندارند. این گزارش اولین نشانه از تشدید سرقت علمی در کشورمان بود که به گوش همگان رسید. در پژوهش انجام‌شده توسط ذاکر صالحی، عنوان شد پدیده سرقت در کشور در حال رواج می‌باشد، به‌طوری‌که از مرحله آسیب خارج‌شده و به مرحله بحران رسیده است. چراکه امروزه به خاطر سهولت در دسترسی به منابع، نقش برجسته‌ای در آگاهانه یا غیرآگاهانه انجام دادن این عمل دارد (صالحی، ۱۳۹۳). علاوه بر این گزارشی که نشریه نیچر انتشار کرد، در ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۶، خبری تحت عنوان «در ایران یک فروشگاه مرموزی برای کاغذهای نگارشی وجود دارد» در نشریه ژورنال ساینس منتشر شد. به مقاله فروشی در خیابان انقلاب اشاره داشت. ناشر مجلات نیچر، ۵۸ مقاله دانشمند ایرانی را به دلیل جعل علمی و تغییر از سوی نویسندگان، تعلیق کرد؛ ۵۸ مقاله‌ای که از سوی ۲۸۲ پژوهشگر ایرانی نوشته شده بود. سرقت علمی، تغییر در نام نویسندگان، تغییر در فرآیند ارزیابی علمی، فریب سیستم سرقت علمی و انتشار و اختصاص غیرقانونی نویسندگی مقاله، خبرهایی هستند که در این روزها، درباره این مقالههای علمی منتشر شده است. [انعکاس سرقت علمی در خبرگذاری های خارجی، دود کاغذهایی است که به چشم خود سارقان می‌رود، کاغذ باطله‌هایی که به خط خوردن اسم مؤلف منجر می‌شود]

این گزارشات و خبرهای رسانه‌ای خطری برای جامعه علمی کشور می‌باشد. باید نهادهای مسئول این خبرها را محرکی برای اجرای قوانینی در زمینه

سرقت علمی در نظر بگیرند، انعکاس خبرهایی در خبرگزاری‌های ایرانی از این مهم، بیانگر این تأثیر می‌باشد. به نقل از ایرنا، معاون پژوهش و فناوری دانشگاه شیراز در گفتگوی خود از ابلاغ آیین‌نامه کمیته اخلاق علمی، از سوی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، گفتند که این کمیته به انحراف‌های علمی دانشجویان، اساتید و هرگونه موضوع اخلاق علمی که در شان دانشگاه نیست، رسیدگی می‌کند. همچنین به نقل از خبرگزاری میزان در ۲۲ آذر ۱۳۹۵، خبری تحت عنوان «لایحه مبارزه با سرقت علمی و ادبی روی میز کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس» منتشر کرد. دانشجویانی که هنگام نوشتن پایان‌نامه تخلف علمی انجام دهند اعم از سرقت علمی، در صورت اثبات جرم، از ادامه تحصیل محروم خواهند شد.

نتیجه آنکه تصمیم‌های کلانی که توسط نهادهای مسئول گرفته می‌شود می‌تواند روشی مناسب برای جلوگیری از انجام سرقت علمی باشد. چون قانون درمانی و قانون‌گذاری، جامعه علمی فارغ از تخلفات اخلاقی را در پی خواهد داشت.

سخن آخر اینکه چرا باید کشور باین‌همه دانشگاه، از نظر تولید علم دچار سوء رفتارهایی می‌شود که درخور محققان و دانشجویانش نمی‌باشد؟ چرا فقط دغدغه مدرک دهی و مدرک سازی دارد و خیل عظیمی از دانشجویان کاغذی، ساخته است و هر روز بر تعداد این دانشجویان، افزوده می‌شود و این چنین تا کجا؟ تا وقتی که سیستم کاغذی باشد می‌توان از دانشجو توقع پرورش ایده‌های بکر را داشت؟ مشکل از مدرسان و دانشجویان است یا دانشگاه؟

تا وقتی دانشگاه‌ها با سیستم وحدت استاد (عدم حق انتخاب استاد توسط دانشجو) و کثرت پذیرش دانشجو روبرو باشند، جامعه علمی بدون آفت علمی به رشد خود ادامه خواهد داد؟ به نظر می‌رسد پاسخ به این سؤال چندان روشن نیست.

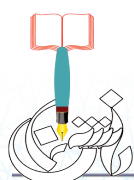
منابع:

- ۱) حیدری، شکرخدا (۱۳۷۹). تحقیق و پژوهش و ضرورت توجه به آن. تعاون، ش ۱۰۳، ص ۵۲-۵۶.
- ۲) شریفی راد، غلامرضا و همکاران (۱۳۹۱). سوء رفتار علمی: سرقت علمی از خود. مجله تحقیقات نظام سلامت، ۸(۶).
- ۳) اکبری، پریا و عبدالمی، مظفر (۱۳۹۲). سرقت علمی، پلاگیاریسم، علل و ابعاد آن. فصلنامه سرمایه ایران، ش ۳۲ و ۳۳، زمستان ۹۱ و بهار ۹۳.
- ۴) بطحائی، زهرا (۱۳۹۰). سرقت علمی: تعریف، مصادیق و راهکارهای جلوگیری، پیگیری و تشخیص. کارگاه، ۲(۱۶).
- ۵) اسلامی، حسن (۱۳۹۰). چو دزدی با چراغ آید: سرقت علمی در سطح دانشگاهی. آینده پژوهش، ۲۲(۱)، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۰، ص ۷-۱۷.
- ۶) دیانی، محمدحسین (۱۳۸۳). تضاد بین واسطه‌رهای کردن و کارگزار اطلاعات شدن. همایش آموزش استفاده کنندگان و توسعه سواد اطلاعاتی در کتابخانه‌ها، مراکز اطلاع رسانی و موزه‌ها، مشهد، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس

رضوی، www.civilica.com/Paper-UEILLIC01-UEILLIC01_001.html.

در تاریخ ۱۳۹۵/۰۶/۲۰.

- ۷) اجاقی، رضوان و همکاران (۱۳۹۰). تحلیل آسیب شناسی تقلب و سرقت علمی بر اساس یک تحقیق کیفی. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، دایره نامه توسعه آموزش و ارتقای سلامت ۱۱(۹)، ص ۱۰۶۳-۱۰۷۳.
- ۸) هاشمی، احمد (۱۳۸۸). جایگاه تفکر انتقادی در توسعه علمی. برگرفته از آدرس اینترنتی <http://www.dr-hashemi.com/index.php?newsid=40>، در تاریخ ۱۳۹۵/۰۸/۱۳.
- ۹) حب الله، علی. سرقت ادبی و علمی. ترجمه حمیدرضا سالارکیا. کتابهای اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۶۵-۷۳.
- ۱۰) نوروزی، علیرضا (۱۳۹۴). روش تحقیق: روش سرقت علمی و انحطاط و انزوال تحقیق. فصلنامه نقد کتاب اطلاع رسانی و ارتباطات، ۲(۶)، ص ۱۴۳-۱۴۸.
- ۱۱) صالحی، ذاکر (۱۳۹۳). نباید فعالیتهای ضد تقلب سبب تضعیف زیست بوم علمی در ایران شود [مصاحبه]. ماهنامه فرهنگ امروز، ش ۳.



سال اول | شماره اول
ادوره پنجم
(۸)

شما قضاوت کنید علم در بطن فرهنگ یا بدون فرهنگ!

دبیر کمیته:

عاطفه فرزین (ترم هفت مقطع کارشناسی رشته علم اطلاعات و دانش شناسی)

atefehfarzin@yahoo.com

اعضا:

زهرا کریمی (ترم پنج کارشناسی رشته علم اطلاعات و دانش شناسی)

zahra.k.s1313@gmail.com

نساء سعید پور (ترم پنج کارشناسی رشته علم اطلاعات و دانش شناسی)

Nesa.13751996@gmail.com

مقدمه:

در سال های اخیر کشور ما رشد بی نظیری را در میزان تولیدات علمی تجربه کرده است که امری مثبت قلمداد می شود. براساس داده های پایگاه اسکوپوس، در سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ رتبه بین المللی تولید علم ایران از ۴۸ به ۱۶ ارتقا پیدا کرده است. همچنین براساس مدارک نمایه شده در پایگاه ISI، جایگاه ایران از ۴۹ در اولین سال مورد بررسی به ۲۱ در آخرین سال مورد بررسی ارتقا یافته است. مجلات و کنفرانس های علمی که در این دو پایگاه نمایه می شوند با یکدیگر تفاوت هایی دارند که باعث تفاوت در رتبه ها می شود. در حال حاضر از منظر تولید علم، ایران از یک جایگاه رفیع بین المللی برخوردار و دومین قدرت علمی در بین کشورهای عضو جنبش عدم تعهد محسوب می شود. همچنین در طی سال های متمادی برترین کشور علمی در بین کشورهای عضو اوپک بوده است. ایران با کسب رتبه اول تولید علم در بین کشورهای منطقه خاورمیانه و همچنین رتبه نخست در بین ۵۷ کشور اسلامی سرآمد منطقه و جهان اسلام است. رشد رتبه تولید علم کشور در طی سال های مورد بررسی نیز در خور توجه است. این رشد زمانی سازنده و اثر بخش خواهد بود که در رشد و تعالی جامعه نیز منشأ اثر باشد اما به نظر می رسد پژوهش های انجام شده در محیط دانشگاهی و نیاز های جامعه در دو دنیای متفاوت زندگی میکنند و تعامل قابل توجهی بین آن دو وجود ندارد پژوهش های دانشگاهی زمانی خواهند توانست بر اقتصاد فرهنگ و سیاست جامعه اثر بگذارند که بر خاسته از مسائل و مشکلات جامعه باشند امری که به نظر می رسد حلقه ی مفقودی پژوهش های دانشگاهی باشد. شاید بتوان گفت که تمام بی تحرکی ها ثابت ماندن یا کند حرکت کردن چرخ صنعت و عدم پیشرفت همسان نهاد های مختلف جامعه به خاطر تجاری نشدن علم و فناوری و هم چنین قانون گریزی و عدم رعایت حقوق شهروندی بخاطر عدم اجرای صحیح فرهنگ عمومی است. علیرغم اینکه مسئولان به اهمیت تجاری سازی علم و فناوری و اجرای صحیح فرهنگ عمومی پی برده

اند ولی چرا هنوز در عملیاتی کردن آن با مشکل مواجه هستند؟
صعود علم از دانشگاه تا اجتماع :

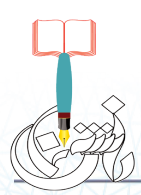
در جامعه ی امروزی دانش مهمترین منبع به عنوان تابع تولید به شمار می آید؛ اما دانشی که امکان تجاری سازی آن و یا امکان تبدیل آن به یک فرهنگ وجود داشته باشد؛ مفهوم تجاری سازی یعنی تبدیل دانش به محصولات و خدمات نوینی که بتوان به وسیله آن به توسعه اقتصاد کشور کمک کرد. امری که از آن به عنوان اقتصاد دانش محور یاد می شود؛ یعنی اقتصادی که به طور مستقیم بر پایه تولید، توزیع و مصرف دانش و اطلاعات بنا نهاده شده است. در کنار این باید به فرهنگ نیز پردازیم. فرهنگ یعنی راه و روش زندگی که افراد جامعه همه باهم آن را فرا گرفته اند و در پیروی از آن سهم و شریک هستند پس می توان جامعه را مردم و فرهنگ را رفتار مردم دانست به طور کلی می توان گفت که تجاری سازی فناوری و انتقال آن از نهاد دانشگاه به نهاد صنعت و یا تبدیل آن به یک فرهنگ که هرکدام از اینها از دو حوزه ی مختلف بدست می آیند موضوعی که طی سه دهه گذشته توجه بسیاری از مدیران و مسئولان سیاسی و فرهنگی را معطوف به خود کرده است. این توجه در سایه تحولات جهانی، گسترش فناوری اطلاعات و سهولت استفاده از آن، توسعه رسانه ها و برنامه های فرهنگی و همچنین بحران هایی مانند درگیری های سیاسی، مشکلات اقتصادی و فرهنگی، جنگ و فقر که به مرز های جغرافیایی کشور ها محدود نمی شوند، ایجاد شده است. در فضای رقابتی و در عرصه ی جهانی، صنایع مختلف اگر نتوانند با خلق یا بهره گیری از ایده های جدید و نو، فناوری های فرآیندی محصول و خدمات خود را بهبود بخشند دیر یا زود از گردونه رقابت حذف می شوند و همچنین اگر در جامعه فرهنگ به طور صحیح اجرا نشود ممکن است باعث قانون گریزی و کم رنگ شدن اثر گذاری علم تولیدی در این زمینه باشد. به همین دلیل امروزه شاهد برگزاری کرسی های هم اندیشی با موضوع های تجاری سازی و فرهنگ سازی دانش هستیم. چنین به نظر می رسد که این کرسی ها هنوز به نتایج عملیاتی نرسیده یا خروجی چنین نشست هایی در دستور کار سیاست گذاران علمی و فرهنگی کشور قرار نگرفته است. سیاست گذاری صحیح و پیاده سازی آن در زمینه تجاری سازی علمی، از این قابلیت برخوردار است که یک کشور توسعه نیافته جهان سوم را به یک کشور پیشرفته فروشنده دانش فنی و اقتصادی تبدیل می کند و پیاده سازی صحیح فرهنگ باعث تبدیل شدن جامعه به یک الگوی متمدن در بین سایر جوامع می شود. تجارب کشور های توسعه یافته نشان می دهد که رشد و توسعه صنعتی و اقتصادی ناشی از همکاری نزدیک و اثر بخش بین دو نهاد صنعت و دانشگاه می باشد. دانشگاه صرفا مکانی برای یادگیری یک سری آموزش های علمی و آکادمیک نیست، بلکه مبدا و مولد دانش محسوب می شود و یکی از اهداف اصلی آن انجام فعالیت هایی به منظور ارتقای عملکرد جامعه در کسب مزیت های رقابتی در عرصه ی علمی و اقتصادی فرهنگ سازی برای استفاده از علوم در صنعت و جامعه است. به همین



دلیل علاوه بر آن علمی که باهدف ارتقای دانش ها تولید می شود آن نوعی از علم مورد قبول است که بتواند در راه صنعتی شدن قدم بردارد و در صنعت که ظهور علم تجاری شده یا همان فناوری است بیشتر آنگونه صنایع امکان توسعه و یا ایجاد دارند که بتوانند با همکاری محققان به حیات خود ادامه دهند حال اگر بخواهیم این علم را از نظر فرهنگی مورد نقد و بررسی قرار دهیم می توان گفت نهادی که با فرهنگ و دانش ارتباط دارد کتابخانه است که به عنوان دروازه ای به سوی دانش است که شرایط اساسی را برای یادگیری مداوم، تصمیم گیری مستقل و توسعه فرهنگی افراد و گروه های اجتماعی فراهم می کند از دیر باز نیز گفته اند که کتابخانه جز مراکز فرهنگی است کتابخانه نیز می تواند نقش اساسی در توسعه عادت به مطالعه داشته باشد و عادت به مطالعه نیز در پیشبرد توسعه فرهنگی نقش بسزایی ایفا می کند. همه ما می دانیم که جامعه متشکل از نهادهای بزرگ و کوچک است و نوعی نظم و وابستگی متقابل اجزا میان آنها وجود دارد که هر کدام از این نهاد ها کارکرد مخصوص به خود را دارند. نهاد های مختلف جامعه می توانند نیاز های خود را از طریق دیگر نهاد ها برآورده سازند که این همکاری موجب رشد و توسعه هر یک از نهاد ها و در نتیجه سبب رشد و باروری و پیشرفت جامعه می شود. اما سوال این است که چگونه این نهاد ها می توانند اثربخش موثرتری داشته باشند؟ نهادها زمانی می توانند با هم ارتباط متقابل مثبت داشته باشند که از نیاز ها و خواسته های هم آگاه باشند: برای مثال صنعت باید نیاز ها و خواسته های خود را به دانشگاه ها اعلام کرده و از طرح های پژوهشی دانشگاه حمایت مالی و معنوی به عمل آورد و دانشگاه هم در قبال آن می تواند با تشکیل گروه های تحقیقاتی ایده ها و طرح هایش را به سوی این نیاز ها جهت دهی کند.

علاوه بر موارد گفته شده، برای تحقق ارتباط صنعت و دانشگاه، لازم است نهاد ها و سازمان هایی به عنوان واسطه بین دو نهاد مذکور باشد. برای مثال، در صورتی که طرح های دانشگاهی سوددهی کمی داشته باشند ممکن است نهاد ها و سازمان های خصوصی از آن حمایت نکنند. در این وضعیت دولت موظف است نقش حمایتی را ایفاء کرده و بخشی از هزینه های آن را تقبل کند. نبود نهاد های میانجی یا عدم وجود یک نظام مدیریتی و همچنین نادیده گرفتن الگوهای خاص برای تجاری سازی، کلیه برنامه ریزی ها و هزینه های صورت گرفته را با شکست مواجه خواهد کرد. یکی از اختلال های بین نهاد صنعت و دانشگاه عدم تطابق موضوعات مورد توجه اساتید دانشگاه ها با نیاز های جامعه و صنعت کشور است، چرا که فکر و وقت اساتید دانشگاه ها بیشتر متوجه مسائل مورد نیاز بدون ارتباط با مسائل جامعه امروزی است. همچنین باید خاطرنشان کرد که تحقیقات بیانگر آن است که در قوانین و بخش نامه های وزارت علوم نیز ارزش چاپ مقالات و مجلات خارجی و بین المللی بیشتر از ارزش یک مقاله و تحقیق متناسب با نیاز های جامعه می باشد. اگر بخواهیم این موضوع را در ایران بررسی کنیم باید گفت که اگر چه نهاد دانشگاه و صنعت دارای قدمت تاریخی می باشند اما با بررسی این تاریخ مشخص می شود که هر دوی این نهاد ها به شکل وارداتی و غیر خود جوش در ایران شکل گرفته اند، و تلاشی برای سازگاری آن ها با مجموعه شرایط اجتماعی صورت نگرفته است. در نگاهی اجمالی از جمله مهمترین دلایل وجود چنین وضعی در ایران ناشی از نبودن ارتباط متقابل کارکردی، وجود اختلاف رابطه ای بین دو نهاد، وابستگی به خارج از کشور و وارداتی بودن طرح ها، نداشتن برنامه های بلندمدت هدف دار و ناکافی بودن حمایت دولت از طرح های داخلی می باشد. با وجود این مشکلات کتابداران و مشاوران اطلاعاتی در رشته علم اطلاعات و دانش شناسی میتوانند در این زمینه همکاری کنند و نقش خود را ایفا کنند. به این صورت که با تجربیاتی

که از نیاز سنجی اطلاعات کاربران به دست آورده اند، به نیاز سنجی پژوهشی جامعه و صنعت پرداخته و آن را به دانشگاه منعکس کنند. همچنین با تجربیاتی که در زمینه چکیده نویسی و ترجمان دانش دارند، نتایج پژوهش های پیچیده دانشگاهی را به شکل همه فهم در آورده و منتشر کنند و تمام این اتفاقات زمانی عملی میشوند که تمام متخصصان و مشاوران کار خود را به خوبی انجام بدهند و از هم اکنون برای داشتن جامعه ای با علم و صنعت همراه قدم بردارند. در شرایط خاص حال حاضر از یک سو نیاز به صنعتی شدن جامعه و نو سازی کشور از اهمیّت خاصی برخوردار است و صنعتی شدن و نو سازی منجر به شکوفایی اقتصادی و توسعه صنعتی- اقتصادی کشور خواهد گردید. ورود صنعت غربی، نصب و راه اندازی آن، طبیعتاً، فرهنگ آن را نیز به همراه خواهد داشت. فرهنگ وارداتی با فرهنگ سنتی کشورمان رودررو قرار خواهد گرفت و لازم است در حفظ میراث و فرهنگ ملی کوشا باشیم و از به فکر آن باشیم. البته حفظ میراث و ارزشهای فرهنگ ملی به معنی مومیایی کردن آن نیست، بلکه باید در پیشبرد و بازآفرینی آن کوشا بود. دفاع از فرهنگ ملی نباید به معنی کهنه پرستی و نفی فرهنگ جهانی باشد. حفظ فرهنگ در این جا یعنی زنده نگهداشتن و باز آفرینی میراث و ارزشهای اصیل گذشته. در تبادل فرهنگی نباید یک فرهنگ را فدای فرهنگ دیگری کرد، بلکه باید تعادل پویا بین فرهنگ ها ایجاد کرد. در حفظ و صیانت فرهنگ ملی وسایل ارتباط جمعی نقشی بسیار مهم و ارزنده دارند و نقش کتاب و کتابخانه از اهمیّت ویژه ای برخوردار است. اگر چه از نظر وسعت به تلویزیون نمی رسد اما تاثیر تلویزیون نسبت به کتاب و کتابخانه سطحی و ناقص است و بیشتر می تواند فرهنگ توده را بیآفریند، در حالی که کتاب عصاره اندیشه انسان ها و نتیجه پژوهش و تفکر خاصی است که از چندین صافی گذشته است. کتابخانه سازنده و توسعه دهنده فرهنگ نخبگان است و از این رو نقشی اساسی و چشمگیر در پویایی فرهنگی و جاودان شدن اندیشه ها دارد. در تاریخ بشر جامعه ای که



به کتاب و کتابخانه اهمیت می داد و در رشد گسترش آن برنامه ریزی و سرمایه گذاری می کرد، به تفکر، پژوهش و تحقیق بها می دهد، فرهنگی پویا و زنده دارد. عکس این قضیه نیز صحت دارد.

پیشنهادهای راهکارهای عملی:

کتابخانه های ساده و فاقد فناوری های کارا در دنیای جدید نمی توانند نقش فرهنگی ایفا کنند. نادیده گرفتن تحولات در تکنولوژی ارتباطات و عدم بکارگیری آنها در انتقال پیامها و محتوای فرهنگی و هنری مطلوب، ما را در عرصه فرهنگ در حالت انفعالی قرار خواهد داد و شرایط را برای نفوذ پیام ها و محتواهای فرهنگی خارجی آماده می سازد. از دیگر اقدامات مفید، بسترسازی برای سرمایه گذاری در زمینه فناوری های جدید و ارتقای سطح بهره گیری از سیستم های پیشرفته رسانه ای در امر ساخت، انتقال نصب، بهره برداری، جمع آوری، پردازش و انتشار اخبار، و دیگر فعالیت های مربوط به وسایل ارتباط جمعی به منظور افزایش توانایی و تجهیز بخش می باشد. ضروری است که در تقویت مالی کتابخانه ملی، گسترش و تقویت دانشکده های کتابداری، آموزش ضمن خدمت و کوتاه مدت کتابداران، اعطای بورس های تحصیلی به کتابداران شاغل، سازماندهی و تقویت کتابخانه های عمومی و مدارس، تقویت کتابخانه های تخصصی و مراکز اسناد اقدامات هماهنگ و اساسی انجام گیرد. همچنین لازم و ضروری است که با تدوین و تصویب قوانین از حقوق مولفان و مترجمان داخلی حمایت گردد. زیرا پدید آورندگان آثار هنری و علمی و فرهنگی و کتابداران در رویارویی فرهنگ وارداتی صنعتی و به کار گرفتن آن همراه با حفظ و حراست فرهنگ سنتی نقشی به سزا خواهند داشت. آینده بدون الهام از فرهنگ گذشته و بدون برخورداری از مبنای فرهنگی، شکوفا و رشد یابنده نخواهد بود. در ایران توجه به امور فرهنگی چند سالی است که توجه مسئولان را جلب کرده است. یکی از عوامل رشد و توسعه فرهنگی، کتابخانه ها هستند. به نظر می رسد که در برنامه ریزی های دولت، کتابخانه ها باید جایگاه درخوری داشته باشند، زیرا این دو عامل رابطه ای دو طرفه

منابع:

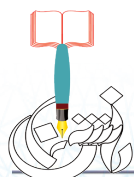
- ۱) دانایی فر، حسن؛ آذر، عادل و صالحی، علی (۱۳۸۸). قانون گریزی در ایران: تبیین نقش عوامل سیاسی، اقتصادی، مدیریتی و اجتماعی- فرهنگی. فصلنامه دانش انتظامی، ۳(۱۱)، ص ۷۰-۶۵.
- ۲) آراسته، حمید رضا (۱۳۸۳). ارتباط دانشگاه و صنعت. پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۳۳، ص ۵۷-۹۸.
- ۳) گودرزی، مهدی؛ بامداد صوفی، جهانیار؛ اعرابی، محمد؛ امیری، مقصود (۱۳۹۰). الگوی فرایند تجاری سازی فناوری در موسسات تحقیقاتی دولتی ایران. فصلنامه سیاست علم و فناوری، ۴(۱۸)، ص ۴۱-۵۸.
- ۴) امین مظفری، فاروق؛ شمس، لقمان (۱۳۹۰). بررسی روش ها و رویکرد های تجاری سازی تحقیقات دانشگاهی: مطالعه موردی دانشگاه تبریز. فصلنامه سیاست علم و فناوری، ۳(۱۶)، ص ۱۵-۲۸.
- ۵) شفیعی، مسعود؛ رحمان پوری، محمد و بهادری، مرتضی (۱۳۹۱). بررسی موانع و راهکار های ارتباط صنعت و دانشگاه (مورد مطالعه: شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ). فصلنامه نوآوری و ارزش آفرینی، ۱(۱)، ص ۱-۱۴.

دارند. بدین معنا که از طرف کتابخانه ها به حمایت همه جانبه دولت نیازمندند تا بتوانند به وظایف خود عمل کنند، و از سوی دیگر هر چه این نهاد موفق تر و مستحکم تر در جامعه گام های موثرتری برداشته خواهد شد. در نهایت باید گفت جمهوری اسلامی ایران، منابع با ارزش فرهنگی و اسلامی دارد که با در دسترس گذاشتن آنها از طریق اینترنت و کتابخانه های دیجیتال

می توان طیف وسیعی از مخاطبان را در داخل و خارج از کشور از محتوای آنها آگاه ساخت و توسعه فرهنگی را به معنای واقعی تحقق بخشید. کتابخانه ها در کشورهای در حال توسعه باید به گردآوری و تولید اطلاعات فرهنگی بپردازند و آنها را در قالب دیجیتال در دسترس قرار دهند و نباید اجازه بدهند که جامعه صرفاً مصرف کننده اطلاعات باشد. یا به عبارت دیگر پیشبرد توسعه فرهنگی قبل از هر چیز به دسترس پذیری مطلوب اطلاعات برای تمام اقشار جامعه بستگی دارد. جامعه بدور از اطلاعات، پتانسیل حرکت و پویایی را در هیچ بخش خود ندارد. فراهم آوری و اشاعه اطلاعات مطابق با نیازهای جامعه تنها با کمک ابزار و روش های نوین اطلاع رسانی در کتابخانه ها میسر است. تحولات پیشنهادی برای کتابخانه ها در راستای پیشبرد توسعه فرهنگی در جامعه اطلاعاتی عصر حاضر:

۱. ایجاد فرهنگ سازمانی در ارائه خدمات اطلاع رسانی
۲. نقش مدیریت کتابخانه ها و مراکز اطلاع رسانی (سازماندهی- نظارت و ارزیابی- تصمیم گیری مناسب)
۳. استراتژی های بلند مدت؛ عاملی در جهت بهبود بهره وری
۴. کاربردی کردن خدمات اطلاع رسانی کتابخانه ها (عامل اساسی)
۵. قوانین و مقررات
۶. ایجاد کانون های تفکر بویژه تاسیس انجمن های کتابداری و اطلاع رسانی

- ۶) گودرزی، مهدی (۱۳۹۱). درک نادرست از مفاهیم تجاری سازی فناوری و رسالت نهاد های سیاست گذار فناوری در عرصه فرهنگ سازی تجارت سازی فناوری. رهیافت، شماره ۵۲، ص ۱۷-۲۸.
- ۷) پیروان، سید ابراهیم؛ دهقان، سعید و چرختاب مقدم، جهانشاه (۱۳۹۳). شناسایی عوامل مؤثر بر اولویت انتخاب راهبردهای مناسب تجاری سازی فناوری. دانش راهبردی، ۱۶(۱۶)، ص ۵۳-۷۸.
- ۸) شفیعی، مسعود؛ یزدانیا، وحید (۱۳۸۷). توسعه مفهومی ارتباط بین صنعت و دانشگاه: از رهیافتهای عملگر تا رهیافتهای نهادگر. مجله صنعت و دانشگاه، ۱(۱)، ص ۳۳-۴۵.
- ۹) فیوضات، ابراهیم؛ تسلیمی، تهران، رضا (۱۳۸۶). بررسی جامعه شناختی رابطه دانشگاه و صنعت در ایران امروز. پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳، ص ۲۶۷-۲۸۸.
- ۱۰) منصوری، جواد. فرهنگ سیاست و تولید علم. مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۹، ص ۱-۱۵.
- ۱۱) مقنی زاده، محمد حسن (اسفند ۱۳۷۵). تحلیلی بر تأثیر متقابل آموزش و پرورش و فرهنگ عمومی. info@moein.net



سال اول | شماره اول
دوره پنجم
(۱۱)



شبکه های اجتماعی از نگاهی دیگر

دبیر کمیته:

هاجر محمدی (ترم هفت مقطع کارشناسی رشته علم اطلاعات و دانش شناسی)

hajarmohammadi.94@gmail.com

اعضا:

سروین زهتاب (ترم سه مقطع کارشناسی رشته علم اطلاعات و دانش شناسی)

Servin_zh73@yahoo.com

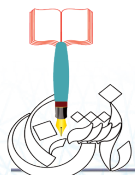
آیا فقط اشتراک و بس؟

در محیط دانشگاهی شعار معروفی وجود دارد: پابلیش ار پریش همان انتشار بده یا بمیر. به عبارت دیگر برای بقای خودتان هم که شده باید منتشر کنید؛ اما سؤال اینجاست که آیا صرف تولید کمی علم کافی است؟ اینکه انتشار بدهید اما مورد استناد قرار نگیرید کافی است؟ اینکه در تنازع علمی برای بقا فقط به فکر بقا و نه پیشرفت باشید کافی است؟ اینکه منتشر کرده باشید و در عوض اچ ایندکستان صفر باشد کافی است؟ بعضی از کشورها معتقدند که مهم تر از انتشار، استناد است. هرچقدر استناد انتشاراتتان بالا باشد امکان بقا و البته پیشرفتتان هم بیشتر می شود، چون استناد برخلاف انتشار صرف یک معیار کیفی می باشد. پس می توان گفت که برای توصیف محیط رقابتی علمی شعار استناد بگیر یا بمیر، شعاری درخورتر و شایسته تر است. پایگاه های استنادی هم بر مبنای همین، مورد استناد قرار گرفتن پژوهشگر؛ آن ها را رتبه بندی می کنند. درواقع یعنی هرچه استناد بیشتر رتبه علمی هم بهتر؛ بنابراین همه پژوهشگران بدون استثنا دوست دارند که زحماتشان دیده شود و با مورد استناد قرار گرفتن از آن ها تقدیر شود و رتبه علمی شان هم بالاتر برود. البته همه پژوهشگران نمی دانند که چه طور بیشتر مورد استناد قرار بگیرند؟ بدیهی است، همچنین هر عقل سالمی هم اعتراف می کند که برای استناد، انتشار پژوهشگر باید قابل رؤیت و در دسترس باشد. به قول بعضی از دوستان انگلیسی زبانمان باید انتشار ویزبیل یا همان قابل رؤیت خودمان باشد. قبلاً دسترسی و در نتیجه دیده شدن، انتشار به طور معمول

از طریق مجلات علمی پژوهشی و نسخه الکترونیک آن ها در قالب پایگاه های اطلاعاتی امکان پذیر بود، که البته اکثرشان هم پولی بودند و برای استفاده باید هزینه مقاله را پرداخت می کردیم. اما بعدها برای دسترس پذیری و رؤیت پذیر کردن مقالات علاوه بر پایگاه های اطلاعاتی در بستر وب ۲ بر مبنای دیدگاه های مردم محوری و کاربری محوری و خرد جمعی در همه لایه های ذخیره سازی؛ سازمان دهی و اشاعه؛ نوعی از شبکه های اجتماعی؛ معروف به شبکه های اجتماعی علمی ظهور کرد که نه تنها باعث ارتباط سریع تر و راحت تر پژوهشگران در سطح جهان می شود از طرف دیگر برای همه پژوهشگران این امکان را به وجود می آورد که از طریق این شبکه های اجتماعی مقالاتشان را به صورت رایگان به اشتراک بگذارند و رؤیت پذیر تر کنند و در نتیجه استناد بگیرند و علاوه بر بقا پیشرفت هم بکنند.

مجازی شدن؛ فرصت است یا تهدید

شاید اگر محیطی کوچک تر از دهکده را سراغ داشتیم بلافاصله با دهکده جهانی مک لوهان جایگزین می کردیم. امروزه ما نه با یک دهکده بلکه با محیطی حتی کوچک تر از دهکده که نتوانسته ایم نامی برای آن دست و پا کنیم، روبرو هستیم. امروزه دیگر با شنیدن عصر فنی - الکترونیک برژینسکی، جامعه فرا صنعتی بل و موج سوم تافلر تعجب نمی کنیم چرا که نه تنها واژه های مذکور محقق شده اند بلکه برای توصیف اوضاع و احوال امروزی جامعه جهانی به چیزی بیشتر از تحقق این واژه ها نیاز داریم. اخبار با سرعتی باورنکردنی در کل جهان



سال اول | شماره اول
ادوره پنجم
(۱۲)



منتشر می‌شود و همه کم‌وبیش از حال و احوال همدیگر خبر دارند. انگار مرکز ثقلی در

گوشه‌ای وجود دارد که مردم جهان در ساعاتی از شبانه روز آن جا جمع و از حال همدیگر باخبر می‌شوند و سپس محل را ترک می‌کنند. راستی این مرکز ثقل کجاست؟ شبکه‌های اجتماعی. نامی آشنا، که همه می‌گویند مانند شمشیری دولبه است؛ یک لبه اش ابزار است برای بخش شایعه و نشر اکاذیب،

تهدیدی است برای ارتباطات حضوری و عاملی است برای تلف کردن وقت. اما تکلیف لبه‌ی دیگر چیست؟ تسهیل ارتباطات علمی، افزایش دسترس پذیری و رویت پذیری اوصافی هستند که می‌توانیم در توصیف لبه دیگر شمشیر شبکه‌های اجتماعی به کار ببریم. اوصافی که در جامعه ما برای خیلی‌ها در عالم واقع کاربردی پیدا نکرده است. در واقع از بین فرصت یا آسیب بودن شبکه‌های اجتماعی جنبه آسیب زایش برای ما ملموس‌تر و مفهوم‌تر است. اگرچه همیشه از تبدیل آسیب‌ها به فرصت سخن می‌گوییم اما فقط می‌توانیم از شنیدن این حرف‌های خوب، خوب لذت ببریم؛ همین و بس.

آیا این همه حقیقت شبکه‌های اجتماعی است؟

احتمالا ایده آل، دست نیافتنی یا فراتر از تصور باشد که شبکه‌های اجتماعی را بدون لبه منفی و آسیب رسانش تصور کنیم. اما این کار نه محال است و نه فراتر از تصور. چرا که یک دهه و شاید کمی بیشتر است که انواعی از شبکه‌های اجتماعی ظهور کرده اند که کاملا علمی هستند و حتی اسمشان هم پسوند علمی را دارد. بله شبکه‌های اجتماعی علمی. به این ترتیب اگر نخواهیم بگوییم که این نوع از شبکه‌های اجتماعی جنبه آسیب رسان ندارند، دست کم می‌توانیم ادعا کنیم که جنبه‌های آسیب‌زا در این نوع از شبکه‌های اجتماعی نسبت به جنبه‌های فرصت‌زا همانند مثال معروف کاه در برابر کوه است.

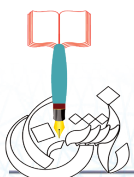
وب ۱ بستری برای وب ۲

برای اینکه مفهوم وب ۲ را درک کنید باید وب ۱ را فراموش نکنید، چون وب ۲ نسخه‌ای کاملاً نو نیست. بلکه در وب ۲ نسبت به وب ۱ از ابزارهای ساده تری برای تولید، انتشار و به اشتراک گذاری محتوا استفاده می‌شود. در واقع بسترهای فناوری به گونه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند که کاربران توانایی تولید و اضافه کردن و به اشتراک گذاری محتوا را بسادگی خواهند داشت. وب ۲ به فناوری‌هایی نظیر ویکی‌ها، وبلاگ‌ها، پادکست‌ها و نظایر آن اطلاق می‌شود (librarian ۲۰۰۲).

شبکه‌های اجتماعی‌ای که برای تسهیل ارتباطات علمی، افزایش دسترس پذیری و رویت پذیری پدید آمدند، در بستر وب ۲ و شبکه‌های اجتماعی رشد کردند و از آنجا که نوعی سپردنگاه هستند که کاربران در آن‌ها دست به خودآرشیوی می‌زنند بنابراین ادامه دهنده مسیر جنبش دسترسی آزاد نیز می‌باشند. پس با این اوصاف بهتر نیست به عنوان جامعه دانشگاهی شبکه‌های اجتماعی علمی را با شبکه‌های اجتماعی معمولی جایگزین کنیم تا اگر خواستیم پدیده‌ای را لایک کنیم؛ آن پدیده علم باشد، اگر خواستیم کسی را فالو کنیم آن کس یک

فرد معتبر علمی باشد که به خاطر همه تلاش‌ها، دستاوردها و اندیشه‌اش او را فالو می‌کنیم، اگر اراده کردیم به منابع معتبر علمی به صورت رایگان دسترسی داشته باشیم، اگر قصد کردیم بتوانیم با دانشمندان و پژوهشگران فعال در حوزه موضوعی مورد علاقه خود آشنا شویم و بتوانیم چیزی به این مجموعه مستند اضافه کنیم. این روزها یکی از مهمترین عواملی که برای آگاهی از سطح پیشرفت جامعه اطلاعاتی مورد استفاده قرار می‌گیرد، مسئله تحلیل استنادی می‌باشد. تحلیل استنادی بررسی اثرگذاری علمی پژوهشگران آن جامعه می‌باشد که از طریق میزان دیده شدن صورت می‌گیرد و مطالعات استنادی بر این رویکرد استوارند؛ تولیدات علمی مهم و تاثیرگذار که بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند، موجب شکل‌گیری ایده‌های نو و بکری در عرصه پژوهش می‌شوند (عرفان منش، ۱۳۹۴).

یکی از عوامل تاثیرگذار بر استناد، میزان رویت پذیری است. به این معنا که نویسندگان و منابع اطلاعاتی تولید شده از طرف آنها تا چه میزان قابل دسترس و رویت پذیر هستند. چرا که رویت پذیری بیشتر، موجب استفاده بیشتر از منابع و در نهایت افزایش استناد می‌شود. اما نکته قابل ذکر این است که چطور بیشتر دیده شویم؟ پژوهشگران برای دیده شدن از قالب‌های متفاوت تری استفاده می‌کنند که در خور حرفه خودشان می‌باشد یعنی یک فضای علمی. همین شبکه‌های اجتماعی علمی به عنوان مجرای جهت اشتراک گذاری تولیدات علمی و محل تعاملات علمی قرار گرفته است، بطوری‌که عملکرد هر مدرک علمی براساس تعداد دفعاتی که در رسانه‌های اجتماعی مشاهده، نشانه گذاری، ذخیره، لایک، کلیک، اشتراک یا استناد شده، تعداد و کیفیت نظراتی که دریافت کرده، تعداد افرادی که آن مدرک را پی گیری می‌کنند و به قولی مورد پسند واقع شده اند، سنجیده می‌شود. (به اینگونه مطالعات آلت‌متریک می‌گویند). بنابراین برخلاف



مجلات که استناد در یک محیط کنترل شده کیفی مورد بررسی قرار می گیرد، در شبکه های اجتماعی علمی هرگونه استفاده از مدرک را در هرگونه محیط حتی اشاره های غیررسمی در شبکه های اجتماعی را نیز شامل می شود (عرفان منش، ۱۳۹۴). آیا تا بحال شبکه های اجتماعی علمی که برای جامعه دانشگاهی و محققان اختصاص یافته اند، استفاده کرده اید یا اصلاً اسم آنها را شنیده اید؟ از شبکه های اجتماعی در زمینه علمی می توانیم به چندتا از موارد زیر اشاره کرد:

ResearchGATE
scientific network

شبکه اجتماعی research gate: این شبکه در سال ۲۰۰۸ توسط ۲ فیزیکیان و یک متخصص علوم رایانه با هدف برقراری ارتباط بین پژوهشگران و فراهم شدن زمینه های همکاری بین آنان ایجاد شد. در حال حاضر یکی از بزرگترین شبکه های اجتماعی علمی در جهان است. کار با این شبکه بسیار راحت بوده و امکان اشتراک تولیدات علمی، ارسال پرسش و دریافت پاسخ از اعضا، جستجوی شغل و... میسر است. این شبکه بیش از چهار میلیون کاربر از اساتید و دانشجویان سراسر جهان دارد که فقط از طریق رایانامه (email) دانشگاه یا موسسه های تحقیقاتی در آن عضو می شوند و به همین دلیل، افراد غیر دانشگاهی به راحتی نمی توانند در آن عضو شوند. دانشمندان و محققان می توانند پس از ثبت نام، مقالاتشان را به اشتراک بگذارند، سوال بپرسند و به سوالات دیگران پاسخ دهند و همکاران یکدیگر را بشناسند.

<https://www.researchgate.net/home>

LinkedIn

شبکه اجتماعی LinkedIn: در سال ۲۰۰۲ تاسیس شده است. این سایت به چندین

زبان زنده دنیا قابل دسترس است. کاربران این سایت می توانند شرکت های مختلف را جهت یافتن شغل مناسب دنبال کنند. می توان مدیران استخدام شرکت ها را بیابند و مشخصات تماس خود را به آنها بفرستند. هدف اصلی لینکدین کسب در آمد و توسعه فعالیت های تجاری است. لینکدین در حال حاضر با ارائه ۱۵۰ صنعت در سراسر جهان، یک شبکه اجتماعی حرفه ای در حال رشد است که باعث شده است کاربران آن امکان تماسهای تجاری، جست و جوی مشاغل و یافتن مشتریان بالقوه را داشته باشند. رقیبان لینکدین سایتهایی نظیر xing.doostang.Ecademy هستند. **شبکه**

 **Academia.edu**

اجتماعی Academia: با هدف رونق بخشیدن به تحقیقات در جهان ایجاد شده است. این وب سایت، محیطی برای به اشتراک گذاری مقاله های پژوهشی دانشگاهیان را فراهم آورده است. محققان می توانند با استفاده از این سایت جهت آنالیز مقالات ارسالی خود و بررسی تعداد بازدیدکنندگان استفاده کنند. این شبکه که در سال ۲۰۰۸ ایجاد شده است، یکی از ساده ترین روشها را برای ایجاد پروفایل و به اشتراک گذاری مقالات فراهم نموده و امکان ارتباط با میلیونها نفر از محققان در سراسر دنیا را میسر کرده است.

www.academia.edu

 **MENDELEY**

شبکه اجتماعی mendeley: شبکه اجتماعی مندلی به کاربران این امکان را می دهد تا مقالات و یادداشت های خود را بین افرادی که می خواهند به اشتراک گذارند. همچنین

قادر خواهند بود تا کتابخانه ای تخصصی شامل تالیفات خود و سایر منابع مورد نیاز، داشته باشند. این شبکه به عنوان شبکه اجتماعی پژوهش محور نام برده می شود. ایجاد برنامه های تیمی، ساخت گروه های مخفی برای انجام پروژه های تحقیقاتی، اطلاع از مقالات اضافه شده توسط سایر اعضای تیم و امکانات کم نظیر دیگر، از جمله ویژگیهای مندلی می باشد.

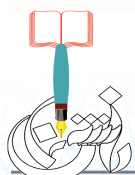
www.mendeley.com

پدیده خودآرشیوی نتیجه جنبش دسترسی آزاد؛ اینگونه شبکه ها وضعیت دسترسی آزاد به منابع اطلاعاتی را بوجود آورده اند یعنی به سپردنگاه هایی جهت تحویل مدارک علمی، تبدیل شده اند و امکان ارسال نظرات و تجربیات افراد به دیگر پژوهشگران ایجاد شده است.

آن روی سکه -نشر رومی- نه تنها تهدیدی جدی برای ناشران تجاری است، بلکه فرآیندهای سنتی تولید، توزیع و مصرف و حتی کیفیت تولیدات علمی را بشدت دگرگون ساخته است (محسنی، ۱۳۸۷) (از آنجایی که این شبکه ها بر مسئله استناد تأثیرات شگرفی گذاشته و و با سرلوحه قرار دادن هدف جنبش دسترسی آزاد وارد فضای مجازی شده اند، باعث افزایش تولیدات علمی شده البته نه از لحاظ کیفی بلکه کمیت تولیدات افزایش یافته است و انتشار در مرکز توجه قرار گرفته. انفجار و سرازیری اطلاعات از فضای اینترنت نتیجه همین پدیده خودآرشیوی می باشد. این در حالی است که همین امر آزادی بیان و دسترسی آزاد تهدیدی برای دستیابی کاربران به اطلاعات مناسب می باشد (بهرامسری و همکاران، ۱۳۹۴)

منابع:

- بهرامسری، شیماء؛ احمدی زاده، سارا و نیازمند، محمدرضا (۱۳۹۴). آلودگی اطلاعات در شبکه های اجتماعی علمی و ارائه راهکارهای مناسب خودآرشیوی. فصلنامه تحلیلی پژوهشی کتاب مهر، ش ۱۷ و ۱۸، ص ۱۲۲-۱۴۱.
- محسنی، حمید. مجموعه سازی و خدمات تحویل مدرک. تهران: نشر کتابدار، ۱۳۸۷.
- جلالی، حسین (۱۳۹۰). نگاهی به کارکردهای شبکه های اجتماعی علمی- برگرفته از آدرس اینترنتی www.shjalali.com، در تاریخ ۱۳۹۵.۰۸.۲۰
- عرفان منش، محمدامین (زودآیند). حضور مقاله هاب بینالمللی ایران علم اطلاعات و کتابداری در رسانه های اجتماعی: مطالعه آلتمتریک، فصلنامه پژوهشی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران.
- بتولی، زهرا و نظری، مریم (۱۳۹۳). بررسی قابلیت های شبکه های اجتماعی تحقیقاتی جهت تشکیل فعالیت های پژوهشی از منظر پژوهشگران علوم پزشکی ایران. مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران (پيامد و سلامت)، ۸(۴)، ص ۳۱۶-۳۳۱.



سال اول | شماره اول
اداره پنجم
(۱۴)

مسئله یابی یا مسئله سازی، مسئله این است؟!

دبیر کمیته:

فرشته آسیابی (ترم هفت مقطع کارشناسی رشته علم اطلاعات و دانش شناسی)

fereshthe@gmail.com

اعضا:

رقیه روح الهی (ترم سه مقطع کارشناسی رشته علم اطلاعات و دانش شناسی)

ro.rohi1373@gmail.com

مقدمه

از قدیم الایام گفته اند سری که درد نمی کند دستمال نمی بندند. اگر بخواهیم این ضرب المثل قدیمی را به زبان علمی امروزی بیان کنیم این طور می شود که تا اینکه مسئله ای ساخته نشود، منطقی نیست مسئله ای ساختگی را به وجود بیاوریم و سپس سعی در حل آن داشته باشیم. البته بحث کسانی که برای منفعت شخصی وانمود می کنند که سردرد دارند و سپس دستمالی هم بر سر می بندند جداست. اتفاقاً اثرات این سردردهای پوشالی و به قول جامعه دانشگاهی مسئله سازی ها مخرب و خطرناک است. چراکه همه انرژی ها و سرمایه های مادی و معنوی در مسیری مصرف می شوند که شاید نیازی به مرهم و راه حل نداشته باشند. همه موجودات مسئله دارند از یک سلول گرفته تا انسان همه به شکلی به دنبال حل مسائل خود هستند به این معنا که می خواهند مشکلات پیش روی خود را به طریقی از میان بردارند مسئله یابی در علم از مدت ها پیش راه خود را طی کرده و بسیاری از مشکلات و برخی سؤالات ذهنی بشر و پیشرفت های که موجب آسایش انسان می شود را حل کرده است.

مسئله در پیرامون زندگی انسان دو نوع است یکی این که مسئله گاهی دری از مشکلات بشر می گشاید یعنی به حل مشکل می پردازد درحالی که مسئله دیگر به غیر از سردرگمی و صرف هزینه های گزاف چیزی جز مسئله سازی بی مورد نیست (جعفری، ۱۳۹۰) و همین است که در بسیاری از کشورها دچار همین افکار غلط هستند که مدت زیادی صرف همین موضوع می کنند که فکر می کنند مسئله سازی مشکل آن هاست و لذا سال ها طول می کشد و موقعیت ها از بین می رود تا به این نکته پی ببرند که مسئله سازی یا همان طرح مسئله و شرح و توصیف آن هیچ دردی را دوا نخواهد کرد.

مسئله یابی تا تولید علم

انسان می کوشد تا مسئله را بیابد و سپس آن را حل کند به

نظر شما این مسئله یابی نوعی تولید علم نیست؟! در اینجا یک سؤال پیش می آید منظور از تولید علم چیست؟ برای این مفهوم تعاریف مختلفی ارائه شده است که به بیان آن می پردازیم: تولید علم فعالیت منظم است که نتیجه آن باعث ارتقای دانش بشری می شود و با پاسخ دادن به سؤالات مطرح شده در تحقیق یک نظریه علمی در نتیجه نوآوری به دست می آید (حیدری، ۱۳۸۴). تولید علم یعنی به وجود آوردن و مطرح ساختن چیزی که تاکنون مطرح نشده است یعنی به نوآوری اهمیت داده شود؛ بنابراین وقتی دانشمند در برخورد با پدیده ها نظریاتی تازه را مطرح می کنند، درواقع تولید علم صورت گرفته است (شریعتمداری، ۱۳۸۴). برای پیشرفت کردن در امور زندگی باید مشکلاتی که پیش رو داریم را حل کنیم. از یک طرف هم روح کنجکاو انسان به دنبال یافتن راه حل های بهتر و کارآمدتر برای حل مشکلات پیش رو و پیشرفت های مادی و معنوی در زندگی است.

مسئله از مشکلاتی که در پیرامون انسان و جهان وجود دارد، به وجود می آید و این طور نیست که فردی بدون پیش زمینه متوجه مسئله ای شود و همچنین قرار هم نیست کسانی که متوجه مسئله ای می شوند حتماً دارای سواد باشند؛ بسیاری از افرادی که درگیر کارهای روزمره و عادی اند هم ممکن است مسئله پیدا کنند ولی باید با استفاده از راهکارها و روش های درستی آن مسئله را تبیین کرد تا به تولید علم جدیدی منجر شود.

بدون شک مسئله یابی راه اصلی برای رسیدن به دانش جدید هست اما باید این را نیز اشاره کرد که یک تفاوت اصلی بین مسئله سازی و مسئله یابی وجود دارد که تولید علمی را به چالش کشیده است و آن این است که امروزه بیشتر دانشمندان و محققان که با قطعیت تمام می توان گفت افرادی هستند که نقش اساسی در مسئله یابی دارند فقط به قصد حل مسئله خود مانند مسئله مالی، کمبود وقت، کسب مقام، مسائل شخصی و غیر به مسئله سازی پرداخته، بدون آن که مسئله را تبیین و راهکارهای آن را ارائه نماید و به نوعی مسئله یابی کند به طوری که باعث حل مشکلات علمی و کاربردی شدن آن و در نتیجه تولید علم کاربردی شود. همان طور که با شعری از مولوی برمی خوریم که می گوید:

علمی که تو را گره گشاید بطلب / زان پیش که از تو جان برآید بطلب /

آن نیست که هست می نماید بگذار / آن هست که نیست می نماید بطلب /



محقق باید بتواند مسئله را به بهترین شکل ممکن بشناسد و بدون ترس و اضطراب و با صبر و شکیبایی راه‌حل‌های مناسبی را برای حل مسئله ارائه دهد.

۴. عوامل سیاسی: سیاست‌گذاری‌هایی که در جامعه‌ای صورت می‌گیرد هم می‌تواند بر روی مساله‌یابی یا مسئله‌سازی تأثیر بگذارد.

نتیجه‌گیری:

رسالت محققان و پژوهشگران مسئله‌یابی در تحقیقاتشان است نه مسئله‌سازی نوعی از مسئله‌یابی که مشکلی از مشکلات جامعه را بدون سوگیری در پژوهش‌هایشان انجام گیرد و در آخر باید گفت که برای سخن گفتن درباره‌ی مسئله‌یابی خیلی حرف‌ها برای زدن وجود دارد. باید با چگونه یافتن مسئله و راه‌حل‌های حل مسئله آشنا بود و افرادی مثل شهید مطهری‌ها که بزرگ‌ترین و بهترین مسئله‌یاب بود را باید الگوی خود قرار دهیم و گامی فراتر در راستای حل مشکلات و پیشرفت‌مان در امور زندگی، برداریم.

منابع:

- ۱) ملک‌پور، شاپور (۱۳۸۴). تولید علم و مصداق‌های آن. تهران: بنیاد ملی نخبگان.
- ۲) موحد، ضیا (۱۳۸۹). گره‌گشایی‌های علم. بازیابی ۲ آبان، ۱۳۹۵، از www.hawzeh.net
- ۳) دیانی، محمدحسین (۱۳۸۷). رواج مسئله‌سازی و افول مسئله‌یابی. بازیابی ۲۲ آبان، ۱۳۹۵، از آدرس www.dayani.profcms.um.ac.ir
- ۴) ربانی‌خوار سگانی، علی؛ قاسمی، وحید؛ افقی، نادر (۱۳۹۰)، تحلیل جامعه‌شناختی شیوه‌های تولید علم، تأملی در رویکردهای نوین. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ش ۴، ص ۱۷۷-۱۵۸.
- ۵) جعفری، ناهید (۱۳۹۲). مسئله‌یابی و حل آن. تهران: مرکز مدیریت شبکه.
- ۶) قانع‌ی‌راد، محمدامین (۱۳۸۵). تعاملات و ارتباطات در تولید علم. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی.



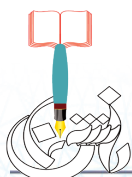
عوامل جذب محققان به سمت مسئله‌یابی نه مسئله‌سازی! (ملک‌پور، ۱۳۸۴)

۱. عوامل فرهنگی: فرهنگ به‌عنوان عامل حیاتی باعث هدایت رفتارها در اعضای جامعه (که در اینجا جامعه محققان و پژوهشگران مطرح است) می‌شود. فرهنگ حاکم بر هر جامعه‌ای به‌عنوان چتری کلیه رفتارهای ما را شکل می‌دهد بحث مسئله‌یابی بدون توجه به فرهنگی که در جامعه آن (جامعه محققان) امری بی‌فایده است.

در جامعه‌ای که در آن توفیق‌طلبی، خلاقیت، نوآوری، استفاده بهینه از زمان تلاش برای حل مشکلات مردم به‌عنوان ارزش‌های ماندگار تلقی شود به‌یقین جامعه آن قشر نیز راهی آسان به‌سوی روزهای بهتر از گذشته را پیش روی خواهند داشت پس توجه به مسئله فرهنگ‌سازی میان محققان درروی آوردن آن‌ها به مسئله‌یابی و نه مسئله‌سازی امری بدیهی است.

۲. عوامل اقتصادی: نوسانات و تغییرات اقتصادی در هر جامعه مثل سطح عمومی پرداخت و دستمزد می‌تواند درروی آوردن محققان و دانشمندان به سمت مسئله‌سازی بیشتر باشد. پس درنتیجه باید برای جذب محققان به سمت مسئله‌یابی این عامل مهم را نیز در نظر گرفت و برنامه‌ریزی‌های لازم انجام گیرد.

۳. عوامل فردی: به ویژگی‌ها و خصوصیات روان‌شناختی افراد بستگی دارد.



سال اول | شماره اول
دوره پنجم
(۱۶)

مصاحبه با دکتر هاشم عطاپور با موضوع؛ همکاری علمی راهکارها و چالشها

دبیر کمیته:

هانیه نیلگون مقدم (ترم سه مقطع کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش شناسی)

Info@sokhanpress.ir

مصاحبه کننده:

فاطمه شاهویردی

fati137574@gmail.com



پاسخ‌گویی به یک مسئله‌ی پژوهشی است. دلایل دیگری هم می‌توان برای همکاری شمرد که اعم از امکاناتی است که دیگران در اختیار ندارند

مثلاً برای انجام یک پژوهش ممکن است نیاز به امکاناتی باشد که در اختیار پژوهشگر نبوده و در اختیار یک عده افراد دیگر است. پژوهشگر با برقراری ارتباط با آن افراد و پیشنهاد همکاری علمی می‌تواند به امکانات موردنیاز پژوهش خود دست یابد. خیلی از فرصت‌های مطالعاتی که صورت می‌گیرد به علت همین امر است؛ یعنی فرد به یک سری منابع اطلاعاتی دسترسی ندارد، به کسانی که به آن منابع دسترسی دارند پیشنهاد همکاری می‌دهد. یا در رشته‌های فنی، پژوهشگر به افرادی که به دستگاه‌ها و وسایل خاصی دسترسی دارند پیشنهاد همکاری داده و برای پیشبرد پژوهش خود از ظرفیت‌ها و منابع آن‌ها استفاده می‌کند.

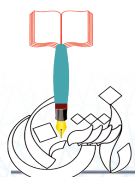
دانش‌نما: باوجود این ملزومات پس چرا در کشور ما در آیین‌نامه‌ها و هم‌چنین داوران مجلات به پژوهش‌های تک‌نویسنده و تک‌محقق ارزش بیشتری می‌دهند؟

البته من این حرف را قبول ندارم زیرا مهم‌ترین چیزی که مجلات برای پذیرش یا رد مقاله در نظر می‌گیرند کیفیت، نوآوری و اصالتی است که در پژوهش وجود دارد و سردبیران و هیئت تحریریه نشریه معمولاً به تعداد نویسندگان مقالات نگاه نمی‌کنند. شاید در وهله‌ی بعدی به این مورد توجه

مهم‌ترین مانع همکاری علمی در کشورمان، نبود روحیه همکاری است. دکتر هاشم عطاپور عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز و متولد شهر تبریز هستند ایشان دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری را در رشته علم اطلاعات و دانش شناسی به ترتیب در دانشگاه‌های تبریز، تربیت مدرس و تهران گذراندند. پایان‌نامه کارشناسی ارشد ایشان در زمینهٔ ضریب تأثیر نشریات علمی و رساله دکتری ایشان در خصوص بازیابی افراد متخصص بوده است.

دکتر هاشم عطاپور فرصت مطالعاتی دوره دکتری را در دانشگاه بریتیش کلمبیای کانادا گذرانده و اخیراً در کارگاه بین‌المللی ده‌روزه در زمینهٔ بازیابی اطلاعات در کشور آلمان؛ شرکت کرده‌اند. با توجه به اینکه بیشتر مقالات ایشان حاصل همکاری علمی با اساتید و دانشجویان هم‌دوره خودشان بوده و هم‌چنین تجربه همکاری علمی با اساتید رشته علم اطلاعات و دانش شناسی در خارج از کشور را داشته‌اند؛ فرصت را مغتنم یافتیم تا از نظرات و تجارب ایشان در خصوص همکاری علمی به‌واسطه انجام مصاحبه بهره‌مند شویم. دانش‌نما: چه لزومی دارد که در کارهای پژوهشی با سایر محققان همکاری کنیم؟

همکاری‌های علمی ممکن است به دوره‌های خیلی قبل بازگردد اما اساساً می‌شود گفت همکاری‌های علمی یک پدیده‌ی جدید است. بعد از انقلاب صنعتی یک سری موضوعات علمی به وجود آمده است که این موضوعات به‌گونه‌ای هستند که یک پژوهشگر به‌تنهایی نمی‌تواند به آن پاسخ دهد. این موضوعات، موضوعات چندوجهی یا بین‌رشته‌ای بودند. برای پاسخ‌گویی به چنین سؤالات پژوهشی لازم بود که بین افراد، با تخصص‌های مختلف یک همکاری ایجاد بشود؛ و مهم‌ترین دلیل همکاری علمی استفاده از تخصص‌های مختلف برای



سال اول | شماره اول
ادوره پنجم
(۱۷)

کنند. اتفاقاً پژوهش‌هایی که انجام شده نشان‌دهنده‌ی این است که مقالاتی که چند نویسنده هستند به لحاظ استنادی، استناد بیشتری دریافت کرده و از این حیث کیفیت بالاتری نسبت به مقالات تک نویسنده دارند. البته در کشور ما مقالات چند نویسنده مسائلی دارد که باید بدان فکری شود. چند نویسندگی یکی از نمودهای همکاری علمی هست؛ اما مسئله این هست که مقالات چند نویسنده حاصل همکاری علمی بوده یا نه. خیلی از مقالاتی که چند نویسنده هستند حاصل کار یک نویسنده است؛ اکثر مقالات چند نویسنده در کشور ما حاصل یک قرارداد نانوشته بین نویسندگان است و نویسنده در مقاله خود نام افرادی را که که هیچ نوع مشارکتی نداشته‌اند می‌نویسد تا آن افراد نیز در مقالات خود چنین کرده و بدین ترتیب تعداد انتشاراتشان بالا برود. دانش‌نما: به نظر شما چالش‌هایی که در مورد همکاری علمی در کشورمان وجود دارد؛ کدام‌اند؟

مهم‌ترین چالش همکاری علمی در کشور ما به نظر من یک بحث فرهنگی است. همکاری علمی در کشور ما ضعیف است و علت آن این است که ما روحیه‌ی همکاری نداریم. بسیاری از ماها از دوران مدرسه و کودکی عادت نکرده‌ایم که کاری را به صورت مشترک انجام بدهیم. معمولاً وقتی که به دانشجویان فعالیت‌ی به صورت گروهی می‌دهیم در آخر کار متوجه می‌شویم که برخی افراد همکاری نکرده‌اند و این مسئله برمی‌گردد به همان روحیه‌ی همکاری. معمولاً در کارهای تیمی ضعیف عمل می‌کنیم چون تقسیم وظایف خوب را بلد نیستیم یکی از عوامل مهم موفقیت در همکاری این است که وظایف خوب تقسیم بشود و افراد بدانند که همه اعضای گروه بر روی پروژه کار می‌کنند.

دانش‌نما: چه راهکارهایی را برای مقابله با این چالش‌ها

پیشنهاد می‌کنید؟

به نظر من باید در این زمینه ریشه‌ای عمل کرد. اگر بخواهیم همکاری‌های علمی ما بهبود پیدا کند باید کار گروهی را از دوران کودکی و مدارس شروع کنیم. در این دوران باید برای کودکان تکالیف گروهی تعیین کرد تا اصول کار گروهی و همکاری را یاد بگیرند. با انجام کار گروهی در این دوران، بچه‌ها رفته‌رفته پخته‌تر شده و در زندگی آتی علمی و دانشگاهی با آگاهی کامل از شرایط همکاری علمی به آن مبادرت می‌کنند. از طرفی، ما خودمان نیز شرایط را برای یک همکاری علمی مهیا نکرده‌ایم؛ برای مثال وقتی دانشجویان با همدیگر می‌خواهند روی یک پژوهشی کار کنند جای مناسبی برای بحث و تبادل نظر پیش‌بینی نشده است. اکثر سالن‌های مطالعه ما برای مطالعه انفرادی طراحی شده و جایی برای تبادل نظر و مشورت وجود ندارد. در صورتی که در خارج از کشور در کتابخانه‌ها حداقل ۱۰-۲۰ سالن مطالعه گروهی به گونه‌ای تعبیه شده که افراد می‌توانند باهم به راحتی بحث و تبادل نظر بکنند.

دانش‌نما: تا چه اندازه فرهنگ درست و مناسب همکاری علمی در بین پژوهشگران ما جا افتاده است؟

همین‌طور که در سؤال قبلی هم اشاره کردم؛ فرهنگ همکاری علمی را هنوز نداریم و در حد ضعیف است. البته فرهنگ همکاری در رشته‌های مختلف متفاوت است در رشته‌های فنی و علوم پایه همکاری بهتر از علوم انسانی است. در علوم انسانی افراد بیشتر میل به کار انفرادی دارند. دانش‌نما: با توجه به این که اخیراً در کارگاهی با موضوع بازیابی اطلاعات در کشور آلمان شرکت کرده و با محققانی از سایر کشورها همکاری کرده‌اید فرهنگ همکاری علمی در

بین آن‌ها چگونه بود؟

با توجه به تجارب بنده، آن‌ها از نظر همکاری علمی در وضعیت بهتری نسبت به ما قرار دارند. بحث تقسیم وظایف به‌خوبی صورت می‌گیرد، در کار علمی تعارف را کنار می‌گذارند که یکی از مشکلات ما است، نسبت به کارهایی که می‌خواهند انجام دهند جدی هستند و نظم و انضباطی را که باید در انجام پروژه داشت رعایت می‌کنند. نسبت به زمان‌بندی انجام پژوهش خیلی پایبند هستند.

برای فرصت مطالعاتی که به کشور کانادا رفته بودید چطور؟ فرهنگ همکاری علمی آنجا چگونه بود؟

درواقع در اغلب کشورهای توسعه‌یافته وضعیت مشابهی وجود دارد که قبلاً گفتم. اگر پروژه‌ای گروهی باشد معمولاً ارائه‌ی آن هم گروهی است و همه‌ی افراد مسئول پاسخ‌گویی به محتوای آن هستند که ارائه می‌دهند.

دانش‌نما: با کدام‌یک از پژوهشگران داخلی یا خارجی در کارهای پژوهشی‌تان درگذشته همکاری کرده‌اید و دوست دارید بار دیگر با ایشان همکاری کنید؟

همکاری علمی من در کارشناسی ارشد با دکتر نوروزی و دکتر حسن‌زاده و در دوری دکترا با خانم دکتر فهیم نیا و آقای دکتر نقشینه بود. با یک سری از دانشجویان و دوستان خودم در دانشگاه تهران برای برخی از پژوهش‌ها همکاری داشتم؛ مثلاً در تدوین استاندارد کتابخانه‌های عمومی و همچنین آسیب‌شناسی طرح کتاب‌خوان نهاد کتابخانه‌های عمومی با آقای حاصلی دانشجوی دکترا در دانشگاه تهران همکاری داشتم. با استاد قهرمانی عضو سابق هیئت علمی دانشگاه تبریز و خانم لیلا هاشم‌پور در یک پروژه‌ی پژوهشی به نام زیرساخت‌های پیاده‌سازی مدیریت در دانشگاه تبریز همکاری داشتم. همه‌ی این همکاری‌ها

باعث می‌شود که از تجربه و دانش همکاران استفاده کنیم. از همکاری‌هایی که داشتم راضی هستم. در خارج از کشور در فرصت مطالعاتی دوره‌ی دکترا با خانم لوان فراند، رئیس دانشکده کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه بریتیش کلمبیا همکاری داشتم و در کارگاه‌های بازتابی اطلاعات که در آلمان برگزار شد زیر نظر پروفسور توماس مندل استاد دانشگاه هیلدسهایم آلمان با دانشگاه‌هایی از سراسر دنیا همکاری داشتم. در این کارگاه استادان مختلفی از کشورهای مختلف آمده بودند که در زمینه‌ی بازتابی اطلاعات دانش‌سختی کردند و نهایتاً پروژه برای افراد شرکت‌کننده تعریف شد. افراد در گروه‌های پنج نفره یا شش نفره پروژه‌ها را انجام داده و ارائه کردند. در این دوره بنده با شرکت‌کنندگانی از کشورهای آلمان، آمریکا، چین، اسکاتلند و ... همکاری کردم که بهترین تجربه‌ی من در این زمینه بود.

دانش‌نما: در پایان اگر نظر یا پیشنهادی دارید بفرمایید. در همکاری علمی ما موانعی داریم که باید این موانع را برطرف کنیم. مهم‌ترین مانع موجود در کشور نبود روحیه همکاری است که یک مانع فرهنگی هست و برای برطرف کردن آن باید تدبیری اندیشید. موانع دیگری نیز وجود دارد که بنده از آن با عنوان کلی موانع زیرساختی نام می‌برم. برخی مواقع برای یک همکاری علمی لازم است برای مدتی معین به یک دانشگاه و شهر و کشور دیگر عزیمت کرد که بعضاً به لحاظ اداری و مقرراتی امکان‌پذیر نیست یا در تأمین هزینه‌ها مشکلاتی وجود دارد. گاهی مواقع در فراهم ساختن ابتدایی‌ترین امکانات برای یک همکاری علمی با مشکلاتی مواجه می‌شویم. اگر این موانع برطرف شود می‌توان به بهبود همکاری علمی در کشور امیدوار بود.

• بود.

بیماری تحقیقات

دبیر کمیته:

عاطفه فرزین

atefehfarzin@yahoo.com

اعضا:

فاطمه احمدنژادیان

Fahmadnezhadian@gmail.com

مقدمه:

که جایگاه استفاده از این اطلاعات و یافته‌ها کدام‌اند؟ و یا به عبارت دیگر پژوهش‌های انجام‌شده از پس رفع کدام مشکل صنعتی، علمی، ارتباطی، یا انسانی و هر آنچه غیراز آن بر خواهند آمد؟ بررسی‌های اخیر در زمینه ی پژوهش‌های انجام‌شده ی علم اطلاعات و دانش‌شناسی در جهان و به‌خصوص در ایران نشان می‌دهد که عمده ی یافته‌های علمی پژوهشی که به‌عنوان شواهد از آن‌ها یاد می‌شود در جهت تصمیم‌گیری‌های بهینه مورد استفاده قرار نمی‌گیرند. حال آنکه بحث اصلی یک پژوهش و به‌طور کلی هدف از انجام پژوهش در این است که در اتخاذ تصمیمی استفاده شود، اینجاست که خلأ میان جامعه ی پژوهش و قشر تصمیم‌گیرنده در نبود یک نیازسنجی اطلاعاتی درست و صحیح ایجاد مشکل می‌کند. حتی باوجود این که این امر مورد انتقاد بسیاری از صاحب‌نظران به‌خصوص در ایران قرار گرفته است. با این حال در بسیاری از موارد، تصمیم سازی‌ها با مخاطرات زیادی مواجه است و عمدتاً به‌صورت آزمون و خطا انجام می‌شود، حال آنکه می‌توان با اصول نیازسنجی و کار مبتنی بر شواهد تصمیماتی به مراتب اثربخش‌تر، کارآمدتر و کم‌هزینه‌تر را اتخاذ نمود.

کتابداری و اطلاع‌رسانی به‌عنوان یک میان رشته و بستر ارتباطی حوزه‌های مختلف علمی این توانایی را داراست که تحت فرآیند کتابداری مبتنی بر شواهد که در ادامه به شرح و بسط آن می‌پردازیم درصد حل این مشکلات برآید.

پیش از ورود به بحث کتابداری مبتنی بر شواهد ابتدا به تاریخچه ی پیدایش و ضرورت ایجاد رویکرد مبتنی بر شواهد می‌پردازیم. سال‌ها پیش از ظهور مفهوم و عبارت کتابداری مبتنی بر شواهد رویکرد مبتنی بر شواهد در رشته پزشکی مطرح و به کار گرفته شد. نیاز روزانه به اطلاعات درباره ی بیماری‌ها و پیشرفت آن‌ها، زمان محدود دستیابی به این اطلاعات، حجم وسیع یافته‌ها و پیشرفت‌ها در حوزه تشخیص و درمان، تحولات عظیم صورت گرفته در فناوری اطلاع‌رسانی و بالاخره ناتوانی منابع سنتی در رفع این

کدام مهم‌تر است؟ تحقیق کردن یا استفاده از تحقیقات؟ چرا باوجود منابع به‌روز و کارآمد در حوزه‌های مختلف هنوز استفاده و به‌کارگیری آن‌ها به‌طور صحیح انجام می‌شوند؟ چرا در جامعه ما کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعاتی که باید عمده ی فعالیت‌های تحقیقاتی د خود بگنجانند بلااستفاده و راکد مانده‌اند؟ علت چیست؟ کم‌کاری مسئولان؟ ناکارآمدی آموزش؟ کم‌کاری اطلاع‌رسانان؟ طبق جدیدترین آمار سایت ISI تنها ۲۵ کشور در جهان ۸۴ درصد کمیت تولید علم دنیا را تولید کرده‌اند که جمهوری اسلامی ایران در میان این کشورها رتبه نخست رشد دنیا در تولید علم برتر را کسب نموده است. بی‌شک این خبر مایه مباهات و غرور و افتخار ملی است و نشان از بنیه علمی قوی و ظرفیت بالای پژوهش در کشور است، اما سؤال اینجاست که چرا باوجود این چنین جامعه ی علمی قوی و این حجم از تولیدات علمی عمدتاً در تصمیم سازی‌ها از روش آزمون و خطا یا روش‌های مشابه استفاده می‌گردد؟! و در عمل این تولیدات تنها در حد اطلاعات علمی باقی می‌مانند؟! راه چاره چیست؟ راه‌گشایان این مسیر چه کسانی می‌توانند باشند؟ نقش کتابداران و خدمات اطلاع‌رسانی در جاری کردن این علم در کشور چه می‌تواند باشد؟ مهم‌ترین بخش اطلاع‌رسانی و به‌اصطلاح قدیمی‌ترها کتابداری یک جامعه ی علمی نیازسنجی از پژوهشگران و در اختیار آن‌هاست. آیا کتابداران و مسئولان اطلاعاتی کشور ما در این امر موفق بوده‌اند؟ آیا اقدامات انجام‌شده برای تبیین و تحکیم جایگاه کتابداری مبتنی بر شواهد کافی و مثمر ثمر بوده است؟ و صدها سؤال دیگر که بی‌پاسخ مانده‌اند.

به‌کارگیری کتابداری مبتنی بر شواهد در نیازسنجی

اطلاعاتی و پاسخ‌دهی به آن.

امروزه در قرن بیست و یکم و باوجود انفجار اطلاعاتی دسترسی به‌موقع و کارآمد به اطلاعات معتبر از اهمیت روزافزونی برخوردار گشته است؛ اما آنچه اکنون به‌طور جدی مطرح است این است



نیازها، پزشکان و متخصصان را بر آن داشت تا از رویکرد پزشکی مبتنی بر شواهد یا EBM (Evidenced Based Medicine) به عنوان راه حلی برای چالش های پیش رو استفاده کنند. بدین ترتیب پزشکی مبتنی بر شواهد اولین بار در سرمقاله ACP journal در سال ۱۹۹۱ توسط هینز مطرح شد.

امروزه با توجه به موفقیت ها و دستاوردهای این رویکرد در شاخه های پزشکی الگوی مبتنی بر شواهد به علوم اجتماعی، آموزش و پرورش، مدیریت منابع انسانی و سایر حوزه های علمی نیز انتقال یافته است. در این میان کتابداری به عنوان پلی میان یافته های موجود و نیازها و همچنین به عنوان میان رشته ای که توانایی مدیریت و استفاده از تحقیقات را داراست جایگاه منحصربه فردی در پیاده کردن و مدل سازی اصول مبتنی بر شواهد خواهد داشت.

کتابداری مبتنی بر شواهد با سابقه ای ده ساله رویکرد نسبتاً نوینی در این رشته محسوب می شود که با کمال تأسف مورد استقبال چندانی در ایران قرار نگرفته است. طبق تعریف «جاناتان الدر» صاحب نظر و محقق آمریکایی در این زمینه، کتابداری مبتنی بر شواهد به دنبال بهبود رویه های به کار رفته در کتابداری با بهره گیری از بهترین رویه های موجود در ارتباط با چشم انداز عمل گرایانه ای توسعه یافته از تجارب کاری در کتابداری است. بهترین شواهد را می توان هم از طرح های پژوهشی کیفی و هم از طرح های پژوهشی کمی به دست آورد (انتخاب نوع پژوهش بستگی به نوع سؤال کتابداری مبتنی بر شواهد دارد، اگرچه کتابداری مبتنی بر شواهد مؤید استفاده ی بیشتر از پژوهش های محکمی است که بالطبع شواهد محکمی را نیز در بر خواهند داشت، می باشد). به زبانی ساده تر، کتابداری مبتنی بر شواهد یعنی تلاش برای بهبود و عملکرد کتابخانه ها و مراکز اطلاع رسانی از طریق پیوند میان عرصه نظر و عمل. به این ترتیب هر تصمیمی که با رویکرد مبتنی بر شواهد گرفته شود پشتوانه ای پژوهشی دارد و خود می تواند الگویی برای تصمیمات مشابه در شرایط مشابه باشد. مسلم این است که عمده ی ویژگی رویکرد مبتنی بر شواهد منحصرأ در شاخه ی کتابداری می تواند موارد زیر باشد:

۱. بستری برای تصمیم گیری های ارزشی و آزموده شده ۲. تأکید بر بهبود خدمات از طریق پیوند میان تحقیقات و تصمیمات ۳. تمرکز عمل گرایانه بر بهترین شواهد موجود ۴. در نظر داشتن چشم انداز کاربر ۵. پذیرش طیف وسیعی در طراحی های کیفی و کمی که در صورت اجرای عملی و مؤثر این رویکرد می توانند نمود عینی تمرکز اطلاعاتی در انجام تحقیقات راهنمایی برای استفاده از آنها باشند. در سال ۲۰۰۰ دکتر «جاناتان الدر» استادیار دانشگاه نیو مکزیکو با انتشار مقاله ای تحت عنوان «مروری بر کتابداری مبتنی بر

شواهد» در مجله کتابداری پزشکی آمریکا چهارچوبی برای اجرای این رویکرد ارائه کرد. چهارچوب نظری وی شامل پنج مرحله ی اصلی بود پنج مرحله مذکور عبارت اند از: (منصوریان، ۱۳۸۹)

۱. تدوین پرسشی دقیق و روشن در یکی از زمینه های موضوع کتابداری و اطلاع رسانی

۲. جستجو در منابع منتشر شده و منتشر نشده (منابع خاکستری) برای یافتن مناسب ترین شواهد پژوهشی که پاسخگوی پرسش تدوین شده باشند.

۳. ارزیابی منتقدانه ی شواهد ارزیابی شده و سنجش میزان روایی و اعتبار آنها

۴. گزینش راهکاری جدید بر اساس تلفیق این شواهد و تجربیات موجود و پیش بینی میزان سودمندی و هزینه ی به کار بستن آن

۵. سنجش بهره وری ناشی از به کار بستن راهکار جدید در باب اصول و عمده مراحل اجرایی کتابداری مبتنی بر شواهد شش گام به صورت زیر مطرح می شود:

گام اول: طراحی يك سؤال؛ چنانچه می دانیم اساس خدمات کتابداری و اطلاعاتی فارغ از مقوله ی مبتنی بر شواهد بودن آن، عمل نیازسنجی و طراحی سؤال است. این که سؤالات به گونه ای در دسته بالایی از جامعیت و مانعیت طرح شوند که شواهد محکمی برای پاسخ دهی و اتخاذ تصمیم برای آنها وجود داشته باشد.

گام دوم: یافتن شواهد؛ گام بعدی پس از طراحی سؤال یافتن شواهد معتبر برای پاسخ به این سؤالات می باشد. بوث (۲۰۰۵) معتقد است که شواهد چیزی بیش از پژوهش است و به نوعی اطلاعات با پشتوانه ی قرائن هستند این در حالی است که اطلاعات خود مجموعه ای از آگاهی ها و داده هاست که مبانی اکتشافات و تولید دانش قرار می گیرند. درواقع این شواهد قضاوت های ارزشی را با ذهنیت درگیر می کنند و میزان آزمون و خطا را در تصمیم گیری ها به حداقل می رسانند نکته ی قابل توجه اینجاست که چه نوع شواهدی پاسخگوی کدام سؤال و نیاز اطلاعاتی است و اینکه اصلاً این شواهد کجا هستند؟! بنابراین برای پاسخ دهی، یا به نوعی تصمیم گیری بر اساس سؤالات موجود باید مشخص شود که چه نوع شواهدی باید کجا مورد استفاده قرار گیرد. استفاده از هرم اعتبار شواهد دریافت شواهد مناسب می تواند مؤثر واقع شود. چرا که از آن طریق می توان به میزان اعتبار شواهد دست یافت به نوعی که با نزدیک شدن به رأس هرم میزان اعتبار شواهد افزایش می یابد.

موارد این هرم از بالا به پایین شامل موارد زیر است: مرورهای نظام مند کاکرین (Cochrance)- سایر منابع مروری و فرا تحلیلی- خطوط راهنمای شواهد- تلخیص شواهد- دوره های کنترل شده تصادفی، مطالعات کنترل شده- گروه های موردی-

بررسی‌های پژوهشی بالینی-سایر متون- گزارش‌های موردی، مجموعه‌های موردی، خطوط راهنمای اولیه و...

گام سوم: ارزیابی انتقادی. در گام سوم شواهد بادی انتقادی و نظام‌مند و با رویکردی منطقی مورد بررسی قرار می‌گیرند. اینکه شواهد از نظر ربط، اعتبار، قابلیت اطمینان و امکان اجرایی شدن، هر کدام در چه سطحی قرار دارند و بدین‌صورت که آیا پژوهش‌های انجام‌شده که به‌عنوان شاهد در اختیار ماست پاسخگوی سؤال طرح‌شده‌ی ما هست یا نه؟ اگر جواب مثبت است توسط چه شخص یا نهادی انجام گرفته است و چه شخص یا نهادی اقدام به انتشار آن نموده است؟ و اگر جواب منفی است معیارهای انتخاب و مطرح‌شدن اولیه‌ی این شواهد چه بوده‌اند و این نتایج یافته شده چه میزان قابل اطمینان هستند؟

گام چهارم: به‌کارگیری شواهد. بی‌شک اصلی‌ترین بخش در پروسه‌ی تصمیمات مبتنی بر شواهد همین مرحله است. طرح سؤال، یافتن شواهد و ارزیابی انتقادی و منطقی، همه، جهت به‌کارگیری این پژوهش در امور و تصمیمات و به‌نوعی کاربر پذیر نمودن شواهد آن‌هاست که منظور از آن ملاحظه‌ی گروه کاربری، خطوط زمانی، هزینه، سیاست، احتمال حصول به نتایج پیش‌بینی‌شده، معتبر سازی محلی و دقت مجموعه است.

گام پنجم: ارزیابی نتایج. در این مرحله از فرآیند اجرای اصول کتابداری مبتنی بر شواهد، نتایج به‌دست‌آمده در بوته‌ی آزمایش قرار می‌گیرند و از لحاظ داشتن اثربخشی لازم در نظریه و عمل ارزیابی می‌شوند

گام ششم: اشاعه‌ی نتایج. پس از پایان یافتن مراحل اجرایی و ارزیابی نتایج، نوبت به اشاعه‌ی نتایج به‌دست‌آمده می‌رسد. تا این شواهد برای موارد دیگر نیز قابل استفاده و استناد باشد. روش‌های مختلفی برای اشاعه‌ی نتایج فرایند وجود دارند. از جمله: ۱. اشاعه از طریق کارگاه‌ها، آموزش مداوم، کنفرانس‌ها، گروه‌های بحث الکترونیکی ۲. اشاعه از طریق گنجاندن نتایج در خط‌مشی ۳. نشر نتایج در محیط وب. اشاعه‌ی نتایج به‌صورت شفاهی، گروه‌های متمرکز، ره‌بری، نوشتن مقالات مشترک، از طریق پست الکترونیک، گروه‌های خبری، شبکه‌ها و یا حتی استفاده از نتایج در فرایند تدریس کلاسی. حال این سؤال مطرح است که دانستن این اصول و علم به این مراحل می‌تواند ما را در اجرای اصول مبتنی بر شواهد عمدتاً در شاخه کتابداری ایران یاری نماید؟! کاربرد این رویکرد و اصول در عموم حوزه‌های کتابداری مشهود است، برای نمونه در حوزه تخصصی مدیریت اطلاعات که هدف اصلی آن سازمان‌دهی، کنترل ساختار، ترکیب و پردازش و ارائه اطلاعات است. رویکرد مبتنی بر شواهد می‌تواند نقش

تعیین‌کننده‌ی در انتخاب منابع (selection) و نحوه‌ی ارائه آن‌ها (presentation) به مخاطب داشته باشد. همچنین در حوزه سواد اطلاعاتی و دستیابی به رفتار اطلاع‌یابی و پاسخ‌دهی به نیاز اطلاعاتی از طریق پایگاه‌ها و محیط وب به‌خصوص در تعیین اعتبار و منابع اطلاعات که عمدتاً باید از مقالات نمایه شده در نشریات معتبر می‌باشد رویکرد مبتنی بر شواهد می‌تواند راهبردی تضمینی در این زمینه باشد.

درواقع دو شرط لازم موفقیت در کتابداری مبتنی بر شواهد، اول این‌که پژوهش‌های انجام‌شده در کشور مسئله محور و برخاسته از نیاز مراکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌ها باشند و دوم این‌که مسئولان امر به حل مشکلات و تصمیم‌گیری در مورد آن‌ها بر اساس یافته‌های پژوهشی ایمان داشته باشند.

امید است با توجه به پیشینه‌ی موفق رویکرد مبتنی بر شواهد در عموم حوزه‌های اجرا شده و مشخصاً کتابداری مبتنی بر شواهد بتواند کتابداران را در ارائه خدمات اطلاعاتی یاری رساند و راهبرد مناسبی در تهیه و دسترسی به منابع برای پژوهشگران باشد.

منابع:

۱) ولی نژادی، علی؛ پاسیار، پرسیا و شکرانه، فرهاد (۱۳۸۷). کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی در عرصه پزشکی مبتنی بر شواهد. اطلاع‌شناسی، ۲۲(۲)، ص ۱۳۷-۱۶۰.

۲) بازبین، مریم؛ چشمه سهرابی، مظفر؛ مرادی، محمود (۱۳۹۲). ارتباط بین سواد اطلاعاتی و کتابداری مبتنی بر شواهد: مورد پژوهی کتابداران کتابخانه‌های دانشگاهی شهر کرمانشاه. پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۲(۳)، ص ۱۳۳-۱۵۲.

۳) انصاری، معصومه (۱۳۹۵). پزشکی مبتنی بر شواهد؛ کتابداری مبتنی بر شواهد. کتابدار ۲۰/۲، ۲(۲).

۴) منصوریان، یزدان (۱۳۸۹). کتابداری و اطلاع‌رسانی مبتنی بر شواهد. پایگاه خبری کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران (لیزنا). سخن هفته شماره ۱.

۵) Moghadami, Maryam. Hassanzadeh, Mohammad. (۲۰۱۶ Dec ۱) Thirty years of Evidence-based Librarianship (EBL): Citation analysis and review. collnet of scientometric. Pages ۲۰۹-۲۱۸. <http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/10737776.2016.1213960>

۶) زوارقی، رسول (۱۳۸۹). کتابداری مبتنی بر شواهد: رویکردی خلاقانه جهت تصمیم‌گیری‌های بهینه در کتابخانه‌های عمومی. در مجموعه مقالات نشست تخصصی خلاقیت و نوآوری در کتابخانه‌های عمومی (۲۳۴-۲۰۷). نهاد کتابخانه‌های عمومی، تهران، ۱۳۸۶



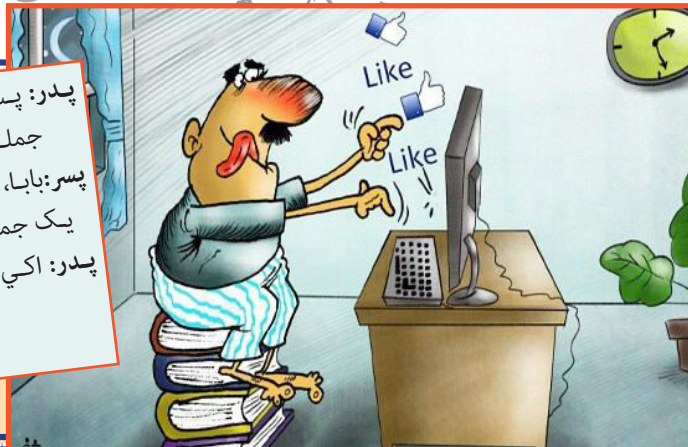
سال اول | شماره اول
ادوره پنجم
(۲۲)

دبیر کمیته:

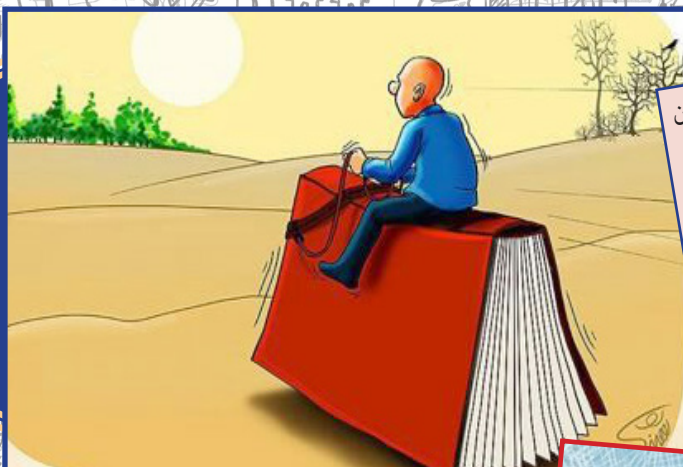
زهره رضوی (ترم هفت مقطع کارشناسی رشته علم اطلاعات و دانش شناسی)

zohreh.ra74@yahoo.com

پدر: پسر مفت خور این همه سال درس خوندی یک جمله باکلاس بگو بفرستم تو گروه لایکم کنن
پسر: بابا، صفحه فلان، کتاب جلد آبی، که نشستین روش یک جمله پر مغزی هست می تونید اونو بنویسید.
پدر: اکی. پس هانی یه کتاب دیگه بیار. اینو بردارم قدم غیرسه لایکارو ببینم. 😊



استاد: کتاب همچون اسب بالدار است که ذهن آدمی را به اندیشه هایی ژرف پرواز می دهد.
دانشجو: استاد یعنی روی کتاب هم مثل اسب زین میزارن؟!
استاد: 😊
دانشجو: استاد اونوقت با کدوم پا می کنن پای راست یا چپ؟!
استاد: 😊



کتابخوان: کتاب و آب هردو در بحران هستند یکی از کم مصرفی و دیگری از پر مصرفی!
کتابنخوان: راست می گی. از بس تو کانال ها می مطلب می نویسن آخرش کتابها رو هم قلم کردن.
کم بنویسید آقا.. کم 😊
کتابخوان:
از بس متنای بلند می نویسن که نمی تونیم جوک هارو بخونیم 😊



اندر احوالات دانشجو (این قسمت ثبت نام)

خود به همراه بیاورم پیشکشان کردم. گفتا: آنچه که من می بینم این است که مدارکت ناقص است و کاری از ما ساخته نیست. وقتمان را بیهوده نگیر. بهتر است هر چه زود تر مدارکت را کامل کنی...

بسی غمگین گشتم گفتم: دورت بگردم آخر من اکنون مدارکی را که شما می خواهید را از کجا بیاورم؟!

آن بزرگوار سری از روی تأسف تکان داد و به کار خود مشغول گشت. بله خواجه جان اینگونه شد که بنده به اتفاق ایل و تبارمان بعد از آن انتظار طولانی با سری افکنده قصد ترک آن مکان را کردیم. که فوقع ما وقع (شد آنچه قرار بود بشود) خواجه عزیز تو گویی مثال اولیاء بودی.

چه نیک صفتی!! چه پاک سیرتی!! مرد مردان رستم دستان. خان خانان. بگذار بگویم چه شد. در آن هنگام که ما همچون قوم شکست خورده از درب دانشکده خارج می گشتیم. مردی به همراه چند تن از دوستان در آن خوالی مشغول گفتمان بودند. که آن نیک سیرت انگاری متوجه حال ما گشت. برادرمان را فراخواند و بدو گفت: کودک جان آیا تو هم می خواهی دانشجو شوی؟! برادرمان هم خواهر به قربانش شود با لبخندی کودکانه جواب آن پیر بزرگوار را داد و بدین گونه باب صحبت گشوده شد. ما نیز عقده ی دل گشودیم و آنچه را برسرمان آمده بود شرح دادیم. مرد لبخندی زد و گفت: غمگین مباش برگرد و بگو نام تو را هم ثبت نمایند! گفتم: مگر می شود؟! آن‌ها می گویند چون مدارک شما ناقص است از نام نویسی شما معذوریم. مرد گفت بلی اینگونه است. ولی اگر بگویی که رئیس دانشکده گفته است. حتما نام تو ثبت خواهد شد.

بله خواجه جان فک بنده هم به مانند شما به زمین خورده وقتی دانستم آن مرد نکو کسی جز رئیس دانشکده نبوده است. و اینگونه شد که نام بنده به عنوان دانشجوی رشته علم اطلاعات و دانش شناسی در دفاتر دانشگاهی ثبت گردید.

خواجه عزیز نقل دانشجویی ما بدین شرح است که روزی روزگاری که مصادف بود با مهر سال ۱۳۹۲ در چنین مبارک روزی بنده به اتفاق خانواده، خانواده که می گویم تو پندار ایل و تبار (مادر و پدر و برادر ۵ ساله!) عازم دارالدانشگاه شدیم.

مکانی بسیار بزرگ که از ابهتش درمانده گشتیم و بعد از تفحصات فراوان دانستیم که محل نام نویسی در مکانی به نام دانشکده می باشد. از هرکس پرسیدیم جناب دانشکده کجا می باشد؟

در ابتدا خنده ی بلندی نموده سپس اشاراتی با دوستان کرده و گفتند ورودی می باشی؟!

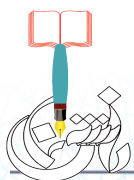
هی... خواجه جان امیدوارم که هیچگاه طعم ورودی بودن را نچشی که بسی ناگوار است. این صفت ننگین تا یکسال دامن گیرمان بود. القصه بالاخره دانستیم محل ثبت نام در دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی می باشد. با سرور و نشاط فراوان به مکان ثبت نام رفتیم، غوغایی برپا بود. بسیار جمعیت در صف بودند. ما را به اتافی هدایت نمودند و گفتند تا آن هنگام که شماره شما را اعلام دارند منتظر بمانید.

خواجه جان جانم به فدایت در حدود ۳ ساعت بر روی آن نیمکت های لنگ و شکسته نشستیم. به طوری که برادر جان سرناسازگاری گذاشته و پی درپی نق می زد. جانم برات بگوید که نمی دانم به میمنت کدامین کارخیری بود که ندای الهی رسید و شماره بنده خوانده شد. پیش تر رفتم. بانوی زیبا رویی که بسیار آشفته به نظر می آمد تا مرا دید.

گفتا: مدارکت را به من ده؟

هیبت کلام او چنان مرا تحت تاثیر قرار داد که با دستانی لرزان پوشه حاوی مدارک را بدو دادم. نگاهی اجمالی به محتوای پوشه نمود. سپس آن را بست و به سویم گرفت.

گفتم: یا بانو چه شده است؟ گفتا: مدارکت ناقص می باشد چشمانم به مانند چشمان وزغ بزرگ گشت و با استفهام گفتم مگر می شود؟ هر چه را که به من گفته شده بود تا با



سال اول | شماره اول
دوره پنجم
(۲۴)

نقادانه

چرا کتاب نمی‌خوانیم؟؟؟



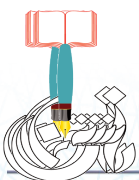
یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی که جامعه امروزی ما با آن روبه‌رو هست پایین بودن میزان سرانه مطالعه در بین اقشار مختلف جامعه می‌باشد. به تعبیری ما با بحران کمبود مطالعه مواجه هستیم.

مدتی است که رسانه‌ها، جامعه فرهنگی، نویسندگان و نهادهای

فرهنگی و اجتماعی هریک به‌نوبه خود قدمی درراه اصلاح این معضل بزرگ جامعه برداشته‌اند. ولی اصل مسلم این است که این مشکل همچنان باقی است. در این بخش ما نمی‌خواهیم به آمار و ارقام میزان مطالعه، یا آسیب‌شناسی کارشناسانه کمبود آن بپردازیم؛ که نه در حوصله شما خواننده عزیز هست و نه هدف نوشته این می‌باشد. هدف از نگارش این متن نگاهی انتقادی به خود کتاب‌نخوانان هست. به این‌که من دانشجو، شما دانشجو و ماهای دانشجو که قشر تحصیل‌کرده جامعه هستیم چرا با کتاب و مطالعه تا این حد بیگانه‌ایم. سوءتفاهم نشود. همه ما به اقتضای نقشمان مجبور به خواندن هستیم. ولی آنچه می‌خواهیم بگوییم مطالعه بی‌حدومرز است. خواندنی که از روی لذت باشد. خواندن جهت پرورش تفکر و اندیشه، خواندن برای کسب تجربه. درحالی‌که ما امروزه شاهد آن هستیم که دانشجو به‌جای استفاده از کتابخانه‌ها و گذران اوقات فراغت در دنیای معمایی و تخیلی کتاب‌ها فرصت‌های طلایی زندگی خود را در سیاه‌چاله‌های دنیای مجازی هدر می‌دهد؛ و بین انبوه نوشته‌ها و اطلاعات اسیر می‌گردد. تا جایی که گاهی اوقات حلاوت شیرینی دنیای مجازی تا حدی است که فرد، خود به موجودی مجازی تبدیل می‌شود. به‌طوری‌که ابتدایی‌ترین نیازهای زندگی خود را هم مجازی رفع می‌کند. دیگر برای تنفس اکسیژن خالص و دیدن مناظر بکر و طبیعی به بیرون از خانه نمی‌رود بلکه تصویر آن را لایک کرده و با کامنتی دو سه سطر ابراز لذت می‌کند. یا دیگر لذت دورهمی

را نه در شب‌نشینی‌های منزل پدربزرگ و مادربزرگ بلکه در گروه‌های چت خانوادگی دنبال می‌کند.

نه تنها دانشجو که در همه اقشار جامعه شاهد این مجازی شدن هستیم. کودک و بزرگ در دنیای بی‌حدومرز مجازی پرسه می‌زنیم و از تأثیرات مثبت و منفی آن آگاه نیستیم و این استفاده بیهوده و بی‌رویه از فضای مجازی سبب پدید آمدن مشکلی به نام هرز خوانی شده است؛ و آسیب‌هایی که قشر کتاب‌خوان و کتاب‌خوان ما باروی کار آمدن این پدیده روبه‌روست. قشر کتاب‌خوان به دنبال خواندن بیشتر است ولی گاهی با ورود به این دنیای نامتناهی بین انبوه اطلاعات گم‌شده و درمانده می‌گردد؛ و اما قشر کتاب‌نخوان، او هم آسیب می‌بیند. او هم وارد دریای از اطلاعات می‌گردد؛ اما مشکل او به مراتب بزرگ‌تر است چراکه قایقی ندارد تا با آن حرکت کند و برای زنده ماندن به هر قطعه چوبی آویزان می‌شود. حال شاهد آن هستیم که چنین افرادی با خواندن هر مطلبی به صحت آن ایمان آورده و به انتشار آن می‌پردازند؛ و سبب ایجاد مشکلات فراوانی می‌شوند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا آنچه سبب جدایی ما با کتاب و مطالعه شده صرفاً افزایش استفاده از فضای مجازی است؟ یا عوامل دیگری هم مطرح هستند؟ دکتر صادق زیباکلام در مصاحبه‌ای که با روزنامه شرق داشته‌اند (۱۳۹۵) در پاسخ به این سؤال چنین اظهار داشته‌اند که نمی‌توانیم همه تقصیرها را بر گردن فضای مجازی و تکنولوژی‌های مرتبط به آن بی‌اندازیم چه‌بسا که ما در جوامع پیشرفته شاهد امکانات و فضاهای بهره‌مندی بیشتری از دنیای مجازی هستیم ولی آنچه قابل‌تأمل است این نکته می‌باشد که در چنین جوامعی مسئله فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی تأثیر چندانی بر سرانه مطالعه نداشته است. آمار و ارقام به‌دست آمده هم گواه این موضوع می‌باشد پس می‌توان نتیجه گرفت که در جامعه ما عوامل مهم‌تر و زیرساختی‌تری هم هستند که باید شناسایی و بررسی شوند. ازجمله عواملی که بیان می‌شود حس دانای کل بودن هست. در جامعه ما تلقین اینکه هم چیز را می‌دانیم چنان دامن‌گیر شده که نیاز به خواندن و مطالعه احساس نمی‌شود؛ و اینجاست که معضل نخواندن به بحرانی‌ترین نقطه خود می‌رسد.



سال اول | شماره اول
دوره پنجم
(۲۵)



دبیر کمیته:

فرشته آسیابی

(ترم هفت مقطع کارشناسی رشته علم اطلاعات و دانش شناسی)

fereshthe@gmail.com

اعضا:

ندا محمدی

(ترم چهار مقطع کارشناسی رشته علم اطلاعات و دانش شناسی)

mohammadi3731@yahoo.com

اصلاح الگوی مصرف با چاشنی علم

مقدمه

در همه امور دنبال‌رو غرب و اروپا باشی (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۳) (البته در این فرایند مقصر اصلی خودمان هستیم که قبول کردیم). به تدریج این اندیشه در جامعه ما نهادینه شد و مردم در مقام یک خریدار جنس وطنی نخریدند و گفتند تولیدکننده وطنی نمیتواند. تولیدکننده وطنی هم مجبور شد کالای تولیدی خود را با مارک خارجی عرضه کند تا بلکه مارک خارجی مهر تأییدی بر توانایی‌اش باشد!

همین مردم در مقام یک پژوهشگر، پژوهش کردند و نوشتند و برای کسب اعتبار بیشتر تا می‌توانستند به منابع فرنگی استناد دادند چون بالاخره مقالات آن‌ها فرنگی هستند. همین مردم در مقام یک داور مجلات علمی - پژوهشی به استفاده از منابع فرنگی در مقالات بیشتر ارزش دادند چون بالاخره آن‌ها کاردرستند و ... همین مردم در مقام مدیرمسئول و سردبیر مجلات علمی - پژوهشی در شیوه‌نامه مجله آوردند که در مقالات مروری حتماً باید n تعداد منبع فرنگی وجود داشته باشد چون بالاخره آن‌ها می‌توانند و ما نمی‌توانیم؛ و خلاصه به لحاظ فرهنگی اندیشه‌ای باب شد که هر آنچه هست و خوب هم هست متعلق به غرب است و غرب این چنین و آن چنان است. این اندیشه همان‌طور که ذکر شد در تمام لایه‌های جامعه رسوخ کرد و جامعه علمی و

غالباً زمانی که از الگوی مصرف سخن به میان می‌آید توجه ما به مصرف آب، برق، گاز، مواد خوراکی و ... معطوف و البته بلافاصله واژه اصلاح هم در ذهنمان تداعی می‌شود. چراکه آمارها نشان می‌دهد در مقوله مصرف راه افراط را در پیش گرفته‌ایم و گهگاه هم در بعضی موارد بر سکوی اول تکیه زده ایم؛ بنابراین واژه‌های اصلاح و الگوی مصرف برایمان واژه‌های نامأنوسی نیست و هم‌چنین است واژه ی علم و تولید علم و از این قبیل واژه‌ها که طبیعتاً واژه‌های غریبی نیستند و به‌طورمعمول احتمالاً هرکس حداقل چند باری از رسانه، مطبوعات و جراید درباره آن‌ها مطالبی به گوشش خورده است؛ اما به احتمال فراوان ترکیب اضافی واژه‌های ذکرشده عبارتی نامأنوس و غریب را پدید می‌آورد؛ اصلاح الگوی مصرف علم. عبارتی بدیع و نامأنوس که از توجه جامعه علمی مغفول مانده است و در نوشتار حاضر سعی داریم که نگاه‌ها را به سمت این حوزه یعنی، اصلاح الگوی مصرف علم در کشور عزیزمان ایران جلب کنیم.

فرهنگ جهت الگوی مصرف علم را تعیین می‌کند سال‌ها طول کشید تا واژه‌هایی مثل ناتوی فرهنگی، تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی، جنگ نرم و ... در عالم واقع محقق شد و به ذهن، اندیشه و باور ایرانی قبولاندند که تو نمی‌توانی و باید





می‌گوید: «دانش قدرت است» یا شعر معروف فردوسی که می‌گوید:

«توانا بود هرکه دانا بود / ز دانش دل پیر برنا بود» مقایسه کنید. هر دو دقیقاً به یک مضمون اشاره دارند. در مقام یک پژوهشگر وقتی که قصد داریم از قدرت دانش حرف بزنیم باکمال افتخار می‌گوییم فرانسیس بیکن چنین گفت و چنان گفت. هم‌چنین برخی از مباحث مطروحه در روانشناسی غربی قرن‌ها پیش‌تر توسط امام علی (ع) مطرح‌شده‌اند، اما چون عهد کرده‌ایم دنباله‌رو غربی‌ها باشیم و با استفاده از منابع غربی‌ها باسوادتر جلوه می‌کنیم، الگوی مصرف علم ما هم باید غربی باشد.

البته علاوه بر عامل فرهنگی ذکرشده که بسیار مهم و قابل‌اعتناست، شاید عامل

فرهنگی دیگری (که خود منشعب از عامل ذکرشده است) در وضعیت الگوی مصرف علمی کشورمان دخیل باشد و آن اینکه پرواضح است که از سویی توانایی مردم کشور ما در برقراری ارتباط به زبان انگلیسی پایین است، از سوی دیگر در جامعه ما فضایی شکل‌گرفته است مبنی بر اینکه اگر انگلیسی ندانی بی‌سوادی و باسواد یعنی کسی که انگلیسی می‌داند و از این قبیل حرف‌ها. تعداد بیشمار مؤسسات آموزش زبان انگلیسی هم گواهی بر این مدعاست؛ بنابراین در جامعه ما توانایی برقراری ارتباط به زبان انگلیسی تبدیل به یک ارزش بسیار والا شده است به‌طوری‌که دارا بودن این توانایی در برخی موارد مترادف است با باسوادی. اگر کمی موشکافانه‌تر نگاه کنید متوجه می‌شوید که در سخنرانی‌های علمی هم کسانی باسواد تلقی می‌شوند که انگلیسی (فارسی - انگلیسی) حرف می‌زنند؛ بنابراین هم توانایی پایین مردم در برقراری ارتباط به زبان انگلیسی و هم تبدیل‌شدن این توانایی به یک منبع مهم ارزش در جامعه باعث شده که تصور کنیم زبان علم فقط انگلیسی است و بس. به عبارت دیگر حضاری به دور علم کشیده‌ایم و تنها کسانی که زبان انگلیسی بدانند اجازه ورود به داخل رادارند. پژوهشگر نیز به‌عنوان کسی که در بطن جامعه است با همین ارزش‌ها رشد می‌کند و در

دانشگاهی هم از آن در امان نماند.

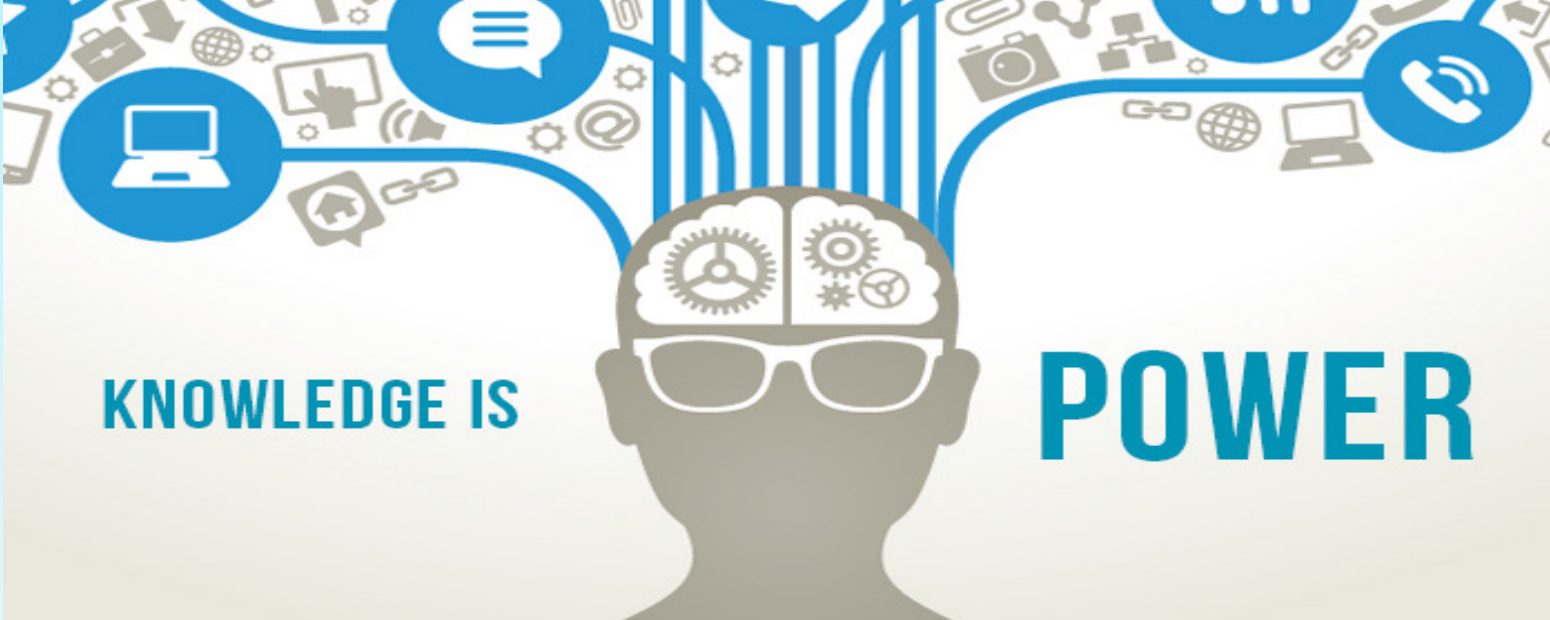
البته اینکه آن‌ها در زمینه تکنولوژی و علوم تجربی بهتر هستند؛ قبول؛ اما در علوم انسانی چه طور؟

در علوم انسانی که تولیدات هر جامعه به درد جامعه خودش می‌خورد و ممکن در جوامع دیگر ناقص ارزش‌های آن جامعه باشد؛ چه طور؟ چرا در حوزه علوم انسانی هم الگوی مصرف ما از غرب تبعیت می‌کند؟ پس مشخص می‌شود تنها پیشرفته بودن دنیای غرب به لحاظ تکنولوژیکی مطرح نیست، خیلی وقت‌ها هم فضای فرهنگی حاکم بر محیط‌های علمی، پژوهشگر را (حتی در حوزه علوم انسانی) به سمت استفاده بی‌رویه از منابع فرنگی سوق می‌دهد.

در فضای امروزی جامعه ما که بحث از منابع و مستندات غربی نقل محافل علمی و پژوهشی است صحبت کردن از درون‌زا بودن در علوم انسانی نوعی عقب‌گرد محسوب می‌شود (فدایی، ۱۳۸۸). الگوی مصرف علم ما در حوزه علوم انسانی نباید به‌گونه‌ای باشد که ملتی بی‌هویت و دنباله‌رو معرفی شویم. حتی در برخی موارد مطالب اشاره‌شده در منابع غربی عیناً و خیلی قبل‌تر از نسخه غربی‌اش در منابع خودمان موجود بوده است که به دلیل فقط غربی بودن نسخه غربی آن را برگزیده‌ایم. مثلاً جمله‌ی معرف فرانسیس بیکن را که



سال اول | شماره اول
دوره پنجم
(۲۷)



KNOWLEDGE IS

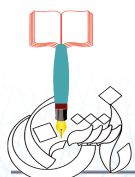
POWER

باید کارکرد، حوصله به خرج داد و پشتکار داشت. چراکه کار فرهنگی زمان‌بر است و ممکن است نتایج آن پس چندین دهه نمایان شود. فقط باید شهامت داشت و گاهی اوقات خلاف جهت امواج جامعه علمی حرکت کرد.

منابع

- ۱) بیانات رهبر معظم انقلاب علی حسینی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در جمع دانشجویان استان همدان ۸۳/۰۴/۰۷.
- ۲) فدایی، غلامرضا. (کتابخانه‌های عمومی و اصلاح الگوی مصرف علمی و فرهنگی). پیام کتابخانه. بهار ۸۸.

قامت پژوهشگر استفاده از منابع انگلیسی بیشتر در پژوهش را به معنای اعتبار بیشتر می‌داند! و در نتیجه حتی در حوزه علوم انسانی هم الگوی مصرف علممان از غرب پیروی می‌کند. آیا وقت آن فرانسیده که حداقل در حوزه علوم انسانی از این شبه روشنفکریها دست برداریم و الگوی مصرف علم جامعه علمی را در این حوزه کمی اصلاح کنیم و به عبارت دیگر علوم انسانی اسلامی را که یکی از مطالبات مهم حضرت آقا «مدظله‌العالی» است را محقق کنیم. البته نباید از نظر دور داشت که اصلاح الگوی مصرف علم و اسلامی کردن علوم انسانی با کار فرهنگی از طریق بنر زدن و شعارهای خوب خوب دادن عملی نمی‌شود.

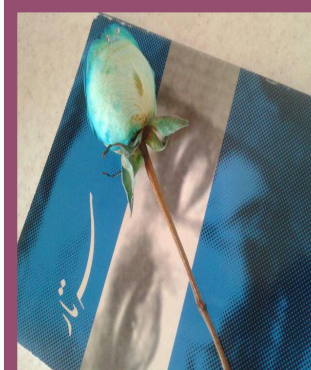
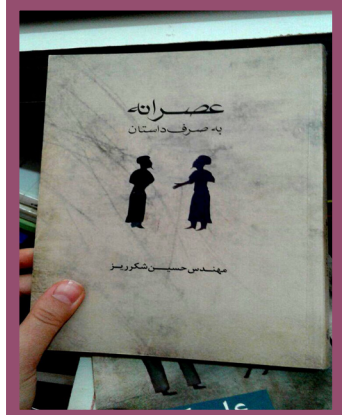
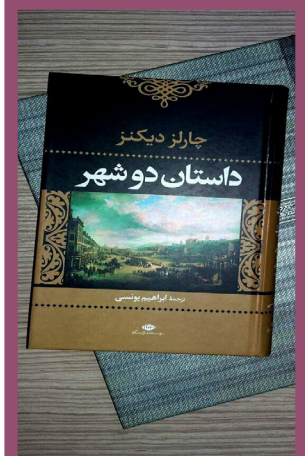
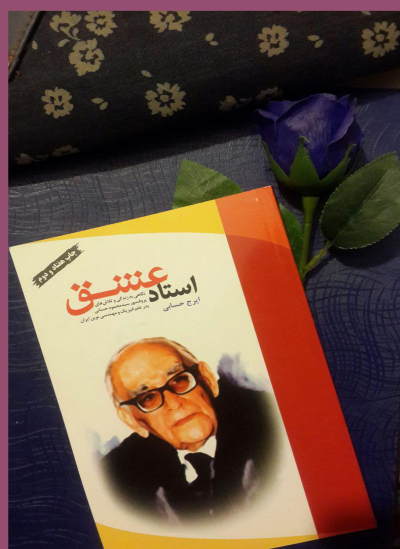
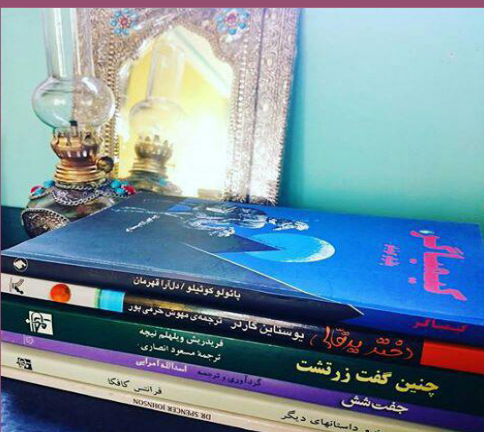


سال اول | شماره اول
دوره پنجم
(۲۸)



کتاب مجموعه ای است از محصولات یک فکر، یک اندیشه، یک ذوق، یک هنر؛ مجموعه ای است از یافته های یک یا چند انسان. ما خیلی باید مغتنم بشماریم که از محصول فکر آحاد گوناگون بشر استفاده کنیم؛ این کاری است که کتاب به ما تقدیم می کند، هدیه می کند؛ این هدیه ی کتاب به ماست. لذا کتاب یک پدیده و یک موجود ذیقیمت است؛ همیشه این جور بوده است، در آینده هم همین جور خواهد بود. لذاست که به کتاب بایستی اهتمام ورزید.

«مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه ای مدظله العالی»



اگر علم در ثریا باشد مردانی از سرزمین پارس به آن دست پیدا خواهند کرد.

حضرت محمد (ص)

